

تحلیل ثانویه مطالعات تربیت

جنسی نوجوانان

(ویراست اول)

مرکز صد

نوع گزارش: تحلیل ثانویه

نویسنده: فرزانه امین زاده

دی ۱۴۰۱

باسمہ تعالیٰ

تحلیل ثانویہ مطالعات
تربیت جنسی نوجوانان
(ویراست اول)

نویسنده: فرزانه امین زادہ

مرکز رصد

دی ۱۴۰۱

فهرست:

۴	۱- مقدمه:
۶	۲- نقشه پیشینه مطالعات انجام شده:
۷	۳- جدول مطالعات انجام شده:
۱۸	۴- مروری بر مطالعات انجام شده در مورد تربیت و هویت جنسی نوجوانان:
۱۸	۴-۱- تبیین و تحلیل مفهوم تربیت و فهم جنسی:
۱۸	۴-۱-۱- از دیدگاه نوجوان؛
۲۲	۴-۱-۲- از دیدگاه کارشناسان تربیتی؛
۲۴	۴-۱-۳- آسیب شناسی:
۲۴	۴-۱-۳-۱- اختلال هویت جنسی:
۲۵	۴-۱-۳-۲- رفتارهای انحرافی:
۲۸	۴-۲- عوامل زمینه ساز تربیت جنسی:
۳۱	۴-۲-۱- روابط میان فردی با والدین؛
۳۴	۴-۲-۲- تماشای تلویزیون های ماهواره ای فارسی زبان؛
۳۵	۴-۲-۳- شیوه های تربیت جنسی از منظر اسلام:
۳۶	۴-۲-۴- عوامل اجتماعی موثر بر اختلال هویت جنسی؛
۳۷	۴-۲-۵- رابطه سبک زندگی و تربیت جنسی؛
۳۸	۴-۳- آموزش تربیت جنسی:
۴۳	۵- نتیجه گیری:
۴۹	۶- منابع:

۱- مقدمه:

به باور بسیاری از صاحب نظران، دوره نوجوانی مرحله حساس شکل گیری هویت است. نوجوان در این دوره سنی با تحولات و مسائل زیادی از لحاظ جسمی، اخلاقی، خانواده، فرهنگی، تحصیلی و اجتماعی روبرو است. بنابراین رسیدن به شناخت دقیق و علمی از نوجوان و تغییرات نوجوانی و برخی از ویژگی های رفتاری جدیدی که امروزه به واسطه تغییرات سبک زندگی در نوجوان ما شکل گرفته، ضروری به نظر می رسد؛ به همین دلیل بخش **رصدخانه نوجوان** به منظور انجام مطالعات کمی و کیفی در حوزه نوجوان، طراحی گردید. هدف اصلی آن رسیدن به یک شناخت یا "توصیف و تبیین مستمر، علمی و دقیق از نوجوان ایرانی امروز" است که از طریق چهار بستر: **بررسی، فراتحلیل و گزارش داده های مثبتی حوزه نوجوان**؛ مطالعات میدانی با روش های کمی و کیفی؛ جمع آوری دیدگاه ها و نظریات صاحب نظران، کارشناسان و خبرگان حوزه کودک و نوجوان؛ و تحلیل رفتار ها، کنش ها و ذائقه نوجوان ایرانی از طریق تحلیل شبکه های اجتماعی پروژه هایی را تعریف نموده و در حال انجام است.

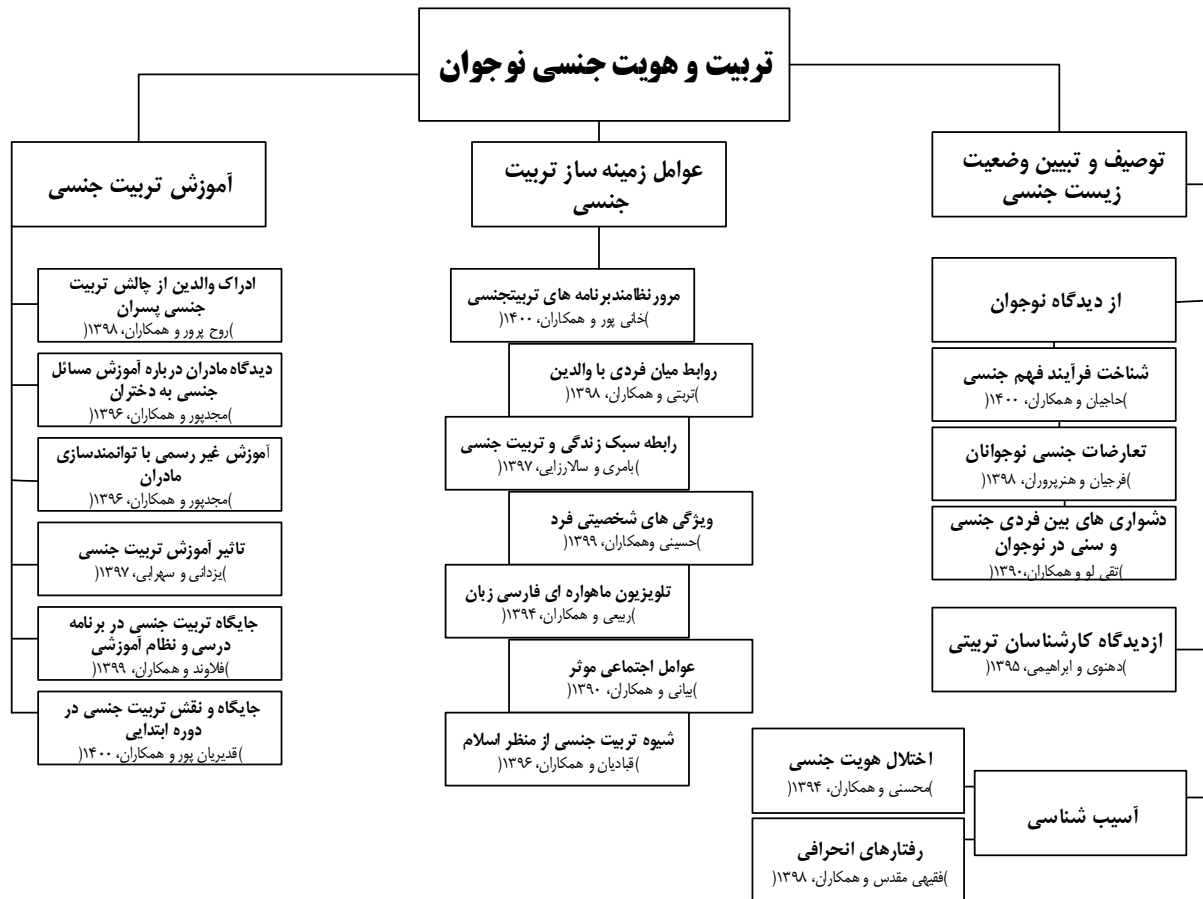
یکی از مهم ترین منابع موجود برای فهم مسائل اجتماعی و فرهنگی، مراجعه به نتایج مطالعات و تحقیقات علمی است. انجام مطالعات و تحقیقات علمی نیازمند صرف زمان و هزینه قابل توجهی است. از طرفی مهمترین مزایای یک مطالعه ثانویه عبارتند از؛ کم شدن هزینه ها، وسعت اطلاعات در دسترس (به عبارتی دسترسی به روند تغییرات یک پدیده در طول زمان) و جمع آوری داده ها توسط افراد متخصص و پژوهشگر. که استفاده از مطالعات دیگر در قالب مطالعات ثانویه می تواند فهمی بهتر از شرایط را در اختیار ما قرار دهد. تربیت و هویت جنسی موضوعی است که در این نوشتار به مطالعات پیرامون آن پرداخته است.

در همه انسانها غریزه جنسی وجود دارد خداوند غریزه جنسی کودکان را در سنین قبل از بلوغ به حالت خفتگی نهاده است. صلاح فردی و اجتماعی کودکان نیز همین است که غریزه جنسی آنان تا پیش از بلوغ بیدار نشود. از آنجا که انگیزه جنسی یکی از انگیزه های نیرومند و حساس انسان است و در حیات روانی و جسمانی تاثیرات غیر قابل انکاری دارد و بسیاری از اعمال و رفتار و حتی بیماری های جسمانی و روانی انسان از این انگیزه مایه می گیرد. اگر پرورش عاقلانه و درستی داشته باشد، زندگی را قرین خوشی و آسایش میگرداند و اگر در طریق افراط و تفریط واقع شود ممکن است دهها ضایعه جسمانی و روانی به دنبال داشته باشد و زندگی دنیا و آخرت انسان را تباه کند. هدف تربیت جنسی این است که رشد جنسی کودکان به طور طبیعی و سالم پیش برود و از بروز ناهنجاری، بلوغ زودرس و ابتلا به انواع انحرافات جنسی پیشگیری شود. اگر تربیت بخواهد به صورت کامل و جامع پیاده شود باید تربیت جنسی را به عنوان حلقه ای از حلقه های آن به حساب آورد برای این منظور لازم است که به کودک هویت بخشیده و او را از کارهایی که باعث بیداری زود هنگام غریزه جنسی میشوند دور کرد. به سؤالات جنسی کودک در سطح درک و فهم او نه بیشتر پاسخ داد و فضایل اخلاقی را در او پرورش داد تا کودکی داشته باشیم که بر مبنای تعالیم اسلامی تربیت شده باشد.

تربیت جنسی کودکان و نوجوانان یکی از مهمترین و حساس‌ترین مسائل در حوزه‌های تربیت است زیرا نقشی مهم در آینده و سعادت و شقاوت کودک دارد. تلویزیون، ماهواره و اینترنت، از ویژگی‌های عصری است که در آن زندگی میکنیم و به نظر میرسد باید آگاهی و تربیت جنسی را از طریق صحیح به فرزندان منتقل کنیم. عصر اطلاعات است و سرعت، و بچه‌های ما فرزند همین زمانه اند. طوری که دیگر به این راحتی نمیتوان سرنوشت آنها را از همان کودکی تا بزرگسالی و پیری خواند. دنیا پیچیده شده و آلوده. و از خیلی‌ها می‌شنویم که پیچیدگی و آلودگی دنیای مدرن را بهانه می‌کنند، برای توجیه ناآگاهی‌شان از چیزهایی که باید به فرزندان‌شان بیاموزند. آموزش در خصوص تربیت جنسی کودکان در تمام مراحل سنی باید صورت بگیرد. به سن خاصی نمی‌شود اشاره کرد. از دوران پیش از دبستان، دبستان، دوران بلوغ، جوانی، میانسالی و حتی سالمندی این آموزش‌ها لازم است. البته شکل آن در هر دوره متفاوت است. برخی آسیب‌ها علاوه بر این که جسم کودک را به شدت تهدید میکند، سلامت روان او را هم با مشکلات جبران‌ناپذیری مواجه خواهد کرد موضوع آسیب‌های جنسی از همین دسته است. آثار این زخم‌های روانی میتواند سال‌های سال در وجود فردی که مورد سوء استفاده قرار گرفته، باقی بماند. تربیت جنسی شیوه پیشگیرانه‌ای است که برای ایمن نگه داشتن کودک و اجتناب از مصائب و گرفتاری‌های بعدی مطرح میشود. و لذا باید در این حوزه متخصصان و صاحب‌نظران حساسیت ویژه‌ای را داشته باشند.

برای این تحقیق در جستجوی بانک‌های اطلاعاتی و مراکز پژوهشی از ترکیب کلیدواژه‌های فارسی؛ نوجوان، دانش‌آموز، تربیت جنسی، هویت جنسی و جنسی استفاده شد. در این بخش پایگاه داده‌های داخلی شامل: مگ ایران، نورمگز، SID و پرتال جامع علوم انسانی با کلیدواژه‌های فوق مورد بررسی قرار گرفتند. از این جستجو ۴۲ عنوان مقاله بدست آمد که ۲۰ مقاله بر اساس "اهداف و موضوعات نسبتاً مشابه" مطالعات انتخاب شدند؛ تحقیقات صورت گرفته با محوریت "تربیت جنسی نوجوانان" به موضوعات مختلفی پرداخته است، از جمله می‌توان به موضوعات کلی؛ تبیین و توصیف زیست جنسی از دیدگاه نوجوانان، والدین و کارشناسان؛ آسیب‌شناسی و عوامل زمینه‌ساز و موثر بر تربیت جنسی؛ رفتارهای منحرفانه و در نهایت تاثیر آموزش‌های گوناگون بر تربیت جنسی اشاره نمود.

۲- نقشه پیشینه مطالعات انجام شده:



۳- جدول مطالعات انجام شده:

تربیت و هویت جنسی

ردیف	عنوان مقاله	سال	نویسنده	اهداف / موضوع	فرضیه ها	نظریه	روش	نوع و تعداد پرسشنامه و مصاحبه	نتایج	پیشنهادات
۱	مطالعه فرایند برساخت فهم جنسی در دختران نوجوان شهر اصفهان	۱۴۰۰	بهجت حاجیان، وحید قاسمی، علی ربانی، عفت السادات مرقاتی خویی	شناخت فرآیند فهم جنسی در روایت دختران نوجوان شهر اصفهان است که تحت تاثیر الگوهای تعریف شده در سطوح متفاوت کلان، بین فردی و فردی برساخت شده است.	فرضیه ها	نظریه زمینه ای و در رویکرد برساخت گرایانه / نمونه گیری گلوله برفی و نمونه گیری نظری	روش	مصاحبه های انباشتی و روایت گونه (۳ مصاحبه اکتشافی و ۲۴ مصاحبه انباشتی) از دختران ۱۲ تا ۱۸ ساله	فرایند مواجهه دختران نوجوان شهر اصفهان با ابعاد دنیای جنسی از کودکی تا زمان حاضر در سه مقوله اصلی مواجهه پروبلماتیک با دنیای جنسی، سن محوری فهم جنسی و ابهام زدایی از فهم جنسی شناخته شد. ارتباط بین این مفاهیم نشان دهنده تاریخ مندی سکسوالیته فردی و اجتماعی و سیالیت برساخت فهم جنسی است و این فرایند را از مواجهه ابتدایی با دنیای جنسی تا دستیابی مداوم به اطلاعات جدید و بازاندیشی در تفکرات، نگرش ها و فهم در پرتو سناریوهای فرهنگی و الگوهای بین فردی و درون روانی تا زمان مصاحبه روایت می کنند.	۱. توجه جدی بر ارائه آموزش جنسی علمی و متناسب با سن در سطوح مختلف تحصیلی و تدوین کتابچه راهنما/ ۱.۲ اجرای مطالعات جامعه شناسی بیشتر بین دختران و پسران در دوره های مختلف سنی از کودکی تا بزرگسالی/ ۱.۳ تدوین برنامه های لازم جهت مهارت آموزی والدین جهت چگونگی آموزش به فرزندان/ ۱.۴ آگاه سازی نوجوانان پیش از تجربه هر فرایند یا کنش جنسی/ ۱.۵ تدارک یک صندوق پیام جهت دریافت سوالات دانش آموزان به صورت ناشناس و پاسخگویی علمی به صورت هفتگی از سوی مشاور بهداشت مدرسه.
۲	مطالعه کیفی تربیت جنسی نوجوانان و عوامل زمینه ساز آن با تاکید بر روابط میان فردی با والدین مطالعه موردی: دختران و	۱۳۹۸	سروناز تربیتی، سمیه تاجیک اسماعیلی، نیکا خسروی	مطالعه تربیت جنسی نوجوانان شهر تهران و عوامل زمینه ساز آن با تاکید بر روابط میان فردی با والدین	فرضیه ها	نظریه	کاربردی- روش کیفی و تکنیک مصاحبه- نظریه زمینه ای	مصاحبه عمیق با ۳۰ والد نوجوانان ۱۳ تا ۱۵ سال دختر و پسر دوره متوسطه تهران/ نمونه گیری تا رسیدن به اشباع	شکل گیری مقولاتی مانند آگاهی از مسائل دینی در رابطه با تربیت جنسی، آگاهی والدین از مسائل جنسی و اثرات جسمی و روحی آن، ارائه رفتارهای مناسب در خانواده از سوی والدین، آگاهی و مسلط بودن والدین به یک سری از مهارت های ارتباطی در جهت ارتباط بهتر با کودکان، تربیت جنسی در قالب آموزش مدارس، آموزش والدین و اجتماعی- کردن و انتقال درست هنجارها و ارزش های جنسیستی به فرزندان، وجود ارتباط عاطفی در خانواده، نظارت مدارس بر فعالیت های کودکان و نوجوانان در مدرسه و همکاری با والدین در این زمینه منتهی شده است. این مفاهیم در سه	۱. اصلاح روابط خانوادگی (شامل وجود روابط عاطفی بین والدین و فرزندان، ارائه رفتارهای مناسب در خانواده از سوی والدین و خواهر و برادر بزرگتر). ۲. الگوی مناسب بودن برای جوانان از طرف والدین. ۳. اصلاح اجتماعی و ایجاد زمینه مساعد تربیتی. اصلاح قوانین اجتماعی و برخی از ارزش ها و قواعد جنسی یکی از طرق پیشگیری از انحرافات جوانان است. جوانان گاهی نمی خواهند تشریفات و آداب معمول را دنبال کنند و نباید آنان را به رعایت

ردیف	عنوان مقاله	سال	نویسنده	اهداف / موضوع	فرضیه ها	نظریه	روش	نوع و تعداد پرسشنامه و مصاحبه	نتایج	پیشنهادات
	پسران نوجوان دوره متوسطه ساکن شهر تهران				نوجوان دوره متوسطه ساکن شهر تهران به چه صورت است؟			نظری ادامه داشته	دسته عوامل خانوادگی، آموزشی یا برون خانوادگی و اجتماعی دسته‌بندی شدند. نهایتاً بر اساس نتایج به دست آمده، یکی از دلایل اصلی تاثیرگذار بر تربیت جنسی در این پژوهش، وجود آگاهی در بین خانواده‌ها و در راس آن در بین والدین می‌باشد.	آداب دست و پا گیر مجبور ساخت. ۴. وجود طرح تربیت جنسی دانش‌آموزان در مدارس. ۵. توجه کردن به عوامل شخصیت‌ساز کودکان. والدین در تربیت فرزندان باید به عوامل شخصیت‌ساز و خصوصیات جسمی- روانی آن‌ها توجه کنند. و..
۳	بررسی رابطه تماشای تلویزیون های ماهواره ای با هویت جنسیتی دختران نوجوان شهر اصفهان	۱۳۹۴	علی ربیعی عظیمه السادات عبداللهی یاسر شیروی خوزانی	بررسی رابطه استفاده از شبکه های ماهواره ای هویت جنسیتی دختران نوجوان	اصلی: هویت جنسیتی دختران نوجوانی که برنامه های تلویزیون های ماهواره ای فارسی زبان را تماشا می کنند با هویت جنسیتی دخترانی که این برنامه ها را تماشا نمی کنند اختلاف معنا داری دارد. فرعی: میزان پابندی به کلیشه های جنسیتی/نقشهای جنسیتی در دختران نوجوانی که برنامه های تلویزیون ماهواره ای فارسی زبان را تماشا میکنند با دخترانی که این برنامه ها را تماشا نمی کنند اختلاف معنا دار دارد.	نظریه پرورش جرج گرنبر و نظریه شناخت اجتماعی بندورا/ نظریه هویت اجتماعی جنکینز،	روش پیمایشی از نوع علی مقایسه ای / روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای	۱۸۵ نفر از دختران مقطع دبیرستان اصفهان و جی/ پرسشنامه محقق ساخته شامل مقیاس های هویت فردی، هویت جنسیتی، کلیشه های جنسیتی و نقش جنسیتی	استفاده بیش تر دختران نوجوان از برنامه های تلویزیون ماهواره ای به فاصله گرفتن آن ها از کلیشه های جنسیتی و تفکیک نقش های جنسیتی منجر می شود. همچنین استفاده دختران نوجوان از برنامه های تلویزیون ماهواره ای هویت جنسیتی آن ها را مخدوش می کند و آن ها را از هویت جنسیتی خود دور می کند.	در مطالعات مربوط به هویت به رسانه ها به خصوص رسانه های تعاملی جدید توجه ویژه شود و نقش هویت ساز و دگرگون کننده آنها در نظر گرفته شود.
۴	تبیین ادراکات والدین از چالش های تربیت جنسی پسران نوجوان؛ یک مطالعه کیفی	۱۳۹۸	زهرا روح پرور ، شاداب شاه علی ، مژگان جواد نوری	تبیین تجارب و ادراکات والدین از چالش های تربیت جنسی پسران نوجوان		تحلیل محتوای کیفی/	مصاحبه نیمه ساختاریافته فردی و بحث گروهی متمرکز/ ۲۵ نفر از والدین نوجوانان پسر ۱۰-۱۹ سال ساکن شهر اهواز	تجزیه و تحلیل داده ها منجر به ظهور ۲۹ کد و ۷ مضمون فرعی (تضاد دیدگاه والدین، سردرگمی والدین، موانع ارتباطی با نوجوان، تعدد و پیچیدگی منابع دریافت اطلاعات جنسی، تابوهای فرهنگی، عدم درک ضرورت آموزش جنسی، نقش گم شده مدرسه در تربیت جنسی) و یک مضمون اصلی (چالش برانگیز بودن تربیت جنسی در پسران نوجوان) گردید. نتایج بیانگر مهارت ناکافی والدین در برقراری ارتباط با پسران نوجوان بود؛ که بخش	در مطالعات آینده در مورد راهکارهای افزایش مهارت های ارتباطی والدین با نوجوان مطالعه بیشتری انجام شود. همچنین پژوهشی با مشارکت پسران نوجوان و بیان تجربه هایشان از تربیت جنسی توسط والدین و موانع آن برای بهبود راهکارهای تربیتی و ارتباطی والدین-نوجوان انجام گردد.	

ردیف	عنوان مقاله	سال	نویسنده	اهداف / موضوع	فرضیه ها	نظریه	روش	نوع و تعداد پرسشنامه و مصاحبه	نتایج	پیشنهادات
									عمده آن نشات گرفته از تابوهای فرهنگی از جمله شرم و حیاء و ترس از شکستن حرمت ها بین والدین و فرزندان بود. لذا توانمندسازی والدین برای تربیت جنسی فرزندان، همراه با نهادینه شدن آموزش های رسمی تربیت جنسی در قالب شیوه های فرزند پروری ضروری به نظر می رسد.	
۵	دیدگاه ها و نظرات مادران درباره آموزش مسایل جنسی به دختران نوجوان خود: یک مطالعه کیفی	۱۳۹۶	معصومه مجد پور، سعادت پرهیزکار، علی موسوی زاده، محسن شمس	استخراج نظرات مادران درباره آموزش مسایل جنسی به دختران نوجوان خود در شهر ماهشهر		روش کیفی پدیدارشناسی،	از طریق مصاحبه عمیق و بحث گروهی متمرکز با ۲۸ مادر دارای دختر نوجوان ۱۲-۱۸ ساله	پنج موضوع اصلی حاصل از مطالعه شامل لزوم آموزش مسایل جنسی به دختران نوجوان، منابع اطلاعاتی مادران درباره مسایل جنسی در دوران نوجوانی خود، منابع آموزشی پیشنهادی، موانع آرایه این آموزش ها، لزوم توانمند سازی مادران برای آموزش مسایل جنسی و پیشنهادات برای تدوین برنامه آموزشی مادران بود. بیشتر مخاطبان به لزوم آموزش مسایل جنسی به دختران نوجوان به شکل محدود اعتقاد داشتند، مادران آموزش دیده را بهترین فرد برای آموزش دختران می دانستند و موانعی مانند خجالت از طرح موضوع، نگرانی از گستاخی و کنجکاوای دختران، آگاهی ناکافی درباره مسایل جنسی و نبود مهارت برقراری ارتباط موثر با دختران خود را بیان کردند.	هر چند در این مطالعه نیازهای آموزشی مادران از اقوام مختلف و با فرهنگهای متفاوت سنجیده شده است، اما این مادران متعلق به جمعیتی محدود از کشورمان میباشند بنابراین انجام یک نیازسنجی در کل کشور برای طراحی یک برنامه آموزشی مبتنی بر نیاز مخاطبان، جهت آرایه به سازمان آموزش و پرورش و بکارگیری این برنامه در آموزشهای والدین پیشنهاد میگردد.	
۶	تربیت جنسی کودکان و نوجوانان با رویکرد اسلامی بستری برای پیشگیری از جرائم و انحرافات	۱۳۹۶	قبادیان، مسلم؛ دهقان، سعید؛ شمخانی، اژدر؛	بررسی نحوه تربیت جنسی کودکان و نوجوانان با رویکرد اسلامی به منظور پیشگیری از وقوع جرائم و انحرافات و ارائه شیوه های تربیت جنسی از منظر اسلام		روش توصیفی تحلیلی (اسنادی)		شیوه های تربیت جنسی کودک و نوجوان شامل: پرورش هویت جنسی، پیشگیری از تحریک غریزه جنسی، پاسخ دادن به پرسش های کودکان و نوجوانان و پرورش فضایل اخلاقی		

ردیف	عنوان مقاله	سال	نویسنده	اهداف / موضوع	فرضیه ها	نظریه	روش	نوع و تعداد پرسشنامه و مصاحبه	نتایج	پیشنهادات
۷	آموزش جنسی غیررسمی به دختران نوجوان از طریق توانمندسازی مادران آنها: یک کارآزمایی میدانی	۱۳۹۶	معصومه مجدپور ، محسن شمس* ، سعادت پرهیزکار ، علی موسوی زاده ، زهرا رحیمی	طراحی، اجرا و ارزیابی یک برنامه مهارت آموزی برای مادران با هدف جنسی به دختران نوجوان خود در شهر ماهشهر			کارآزمایی میدانی بدون گروه شاهد،/ روش نمونه گیری طبقه ای چندمرحله ای	۱۴۰ نفر مادر دارای دختر نوجوان ۱۲ تا ۱۸ ساله و ۱۴۰ نفر دخترانشان/ دو پرسشنامه محقق ساخته (پرسشنامه آگاهی و نگرش در مورد مسائل جنسی و پرسشنامه ولی- فرزندی)	مقایسه قبل و سه ماه بعد از مداخله نشان داد که تفاوت معناداری در میانگین امتیازات آگاهی و (۰/۰۱) > p) و نگرش (۰/۰۱) > p) مادران ایجاد شد ولی مهارت های ارتباطی تفاوت معناداری نداشت (۰/۰۳۷) = p). نتایج نشان داد که مداخله آموزشی طراحی شده بر بهبود آگاهی و نگرش موثر بود، ولی ارتقاء مهارت های ارتباطی به عنوان عامل مهم در مهارت آموزی مادران برای آموزش مسایل جنسی به دختران خود، نیاز به جلسات آموزشی پیوسته، منظم و همراه با تجربه و تمرین دارد.	انجام پژوهش مشابه در دختران و پسران نوجوان برای سنجش نیازهای آموزشی ایشان و تدوین یک برنامه آموزشی جامع برای نوجوانان، انجام پژوهش همزمان در والدین و نوجوانان برای دریافت نتایج بهتر و موثرتر و طراحی و انجام پژوهش مشابه برای پدران جهت آموزش پسران نوجوان پیشنهاد میگردد/انجام مطالعه کیفی برای اشراف به علل و عوامل احتمالی که از دید پژوهشگران مغفول مانده است، پیشنهاد می شود. همچنین تهیه و پخش برنامه های آموزش دیداری و شنیداری متنوع با موضوع مهارتهای ارتباطی از طریق رسانه های گروهی که مورد توجه عموم مردم است، برای اثربخشی بهتر این آموزشها و استفاده از برنامه و کتابچه آموزشی طراحی شده در این طرح، در مراکز بهداشت شهرستانها برای آموزش والدین، معلمان و نوجوانان پیشنهاد می شود.
۸	واکاوی پدیدارشناسانه تعارضات جنسی نوجوانان	۱۳۹۸	حدیث فرجیان ، نازنین هنرپروران	تبیین تعارضات جنسی نوجوانان			کیفی / روش نمونه گیری هدفمند و منطبق بر منطق اشباع نظری بوده تا به واکاوی پدیدارشناسانه تعارضات و تعاملات جنسی نوجوانان بپردازد.	مصاحبه ی عمیق نیم ساخت یافته با ۱۴ نفر از نوجوانان شهر شیراز در سه طبقه اجتماعی بالا، متوسط و پایین	نتایج نشانگر یک حیطه اصلی تعارضات جنسی نوجوانان بود که شامل نه زیرمجموعه: تمایلات جنسی، کنجکاوی و تخیلات جنسی، فضای مجازی و فیلم پورن، عشق و رابطه جنسی، بلوغ، ازدواج، دوستی با جنس مخالف، پرده ی بکارت و خود ارضایی است. یافته ها بر تاثیر رسانه ها و فضای مجازی جنسی در درجه ی اول و بعداز آن دوستان و همسالان در افزایش تعارضات جنسی و رفتارهای پرخطر جنسی تاکید دارد.	
۹	عوامل اجتماعی موثر بر شدت	۱۳۹۰	فرهاد بیانی، داریوش حیدری	بررسی شدت اختلال هویت	فرضیه ها: ۱. هرچه میزان «احساس رضایت از کنش اجتماعی» با همسالان همجنس بیشتر باشد احتمال بروز اختلال هویت جنسی در فرد کاهش	پیمایش	۱۶۰ نفر از افراد دارای اختلال هویت جنسی	اختلال هویت جنسی (عدم پذیرش هویت جنسی) در میان افراد نمونه میزان بالایی دارد به گونه ای که در دامنه (۵-۱) میانگین اختلال		

ردیف	عنوان مقاله	سال	نویسنده	اهداف / موضوع	فرضیه ها	نظریه	روش	نوع و تعداد پرسشنامه و مصاحبه	نتایج	پیشنهادات
	اختلال هویت جنسی		بیگوند، حسین بهروان	جنسی و عوامل اجتماعی موثر بر آن		میباشد. (نظریه کنش پارسونز) ۲. هرچه جریان جامعه پذیری فرد بیشتر با اختلال همراه شود احتمال بروز اختلال هویت جنسی افزایش مییابد. (نظریه جامعه پذیری) ۱. هرچه انتظارات نقشی (دیگری تعمیم یافته) متضاد با جنسیت فرد در ارتباط با فرد بیشتر باشد احتمال بروز اختلال هویت جنسی افزایش مییابد. (نظریه رشد کودک جورج مید و نظریه نمایش گونه گافمن ۴. (هرچه فرد از سوی دیگران برچسب تشابه رفتار و احساساتش با جنس مخالف را بیشتر دریافت کند احتمال بروز اختلال هویت جنسی در فرد افزایش مییابد. (برچسب اجتماعی بیکر و خود آینه سان کولی ۵. (هرچه تعامل فرد در دوران کودکی با افراد غیر همجنس بیشتر باشد احتمال یادگیری رفتارهای متناسب با جنس مخالف و بروز اختلال هویت جنسی در فرد افزایش مییابد. (پیوند افتراقی ساترلند و نوریان و همکاران ۶. (هرچه کسب تایید اجتماعی برای فرد از سوی افراد همجنس بیشتر باشد احتمال بروز اختلال هویت جنسی در او کاهش مییابد. (رفتار انحرافی مرتن) ۷. هرچه فرآیند همانند سازی کودک با والدین بیشتر دچار اختلال شود احتمال بروز اختلال هویت جنسی در فرد افزایش مییابد. (همانند سازی فروید و نوریان و همکاران) ۸. هرچه درجه مدارای والدین با رفتارهای ناپهنجار جنسی کودک بیشتر باشد، احتمال یادگیری رفتارهای ناپهنجار جنسی در کودک و بروز اختلال هویت جنسی در او بیشتر میشود. (قضیه موفقیت هومنز وهرمان و همکاران) ۹. هر چه میزان تاثیرپذیری فرد از الگوی غیر همجنس بیشتر باشد احتمال یادگیری رفتار جنسی ناپهنجار و بروز اختلال هویت جنسی در او بیشتر میشود. (نظریه گروه مرجع) ۱۰. هرچه درجه تسلط		۱۸ تا ۴۱ ساله / پرسشنامه محقق ساخته	۴/۷۶ می باشد، همچنین متغیرهای «احساس رضایت از کنش اجتماعی با همسالان همجنس» و «کسب تایید اجتماعی از سوی همسالان همجنس» رابطه معنی دار و معکوسی بر اختلال هویت جنسی دارند و متغیرهای «اختلال در جامعه پذیری»، «اختلال در همانند سازی»، «میزان تاثیرپذیری از الگوی رفتاری غیرهمجنس» و «دریافت برچسب اجتماعی جنس مخالف از سوی دیگران» به صورت معنی دار و مستقیم با اختلال هویت جنسی دارای رابطه ی معناداری هستند. نتیجه تحقیق نشان می دهد عوامل اجتماعی با تاکید بر یادگیری اجتماعی و عوامل خانوادگی با بروز و رشد اختلال هویت جنسی رابطه معناداری دارد.	پیشنهادات

ردیف	عنوان مقاله	سال	نویسنده	اهداف / موضوع	فرضیه ها	نظریه	روش	نوع و تعداد پرسشنامه و مصاحبه	نتایج	پیشنهادات
						یک طرفه والد غیرهمجنس با فرد در خانواده بیشتر باشد احتمال بروز اختلال هویت جنسی در او بیشتر میشود. ۱۱. هرچه در خانواده تمایل والدین مبنی بر داشتن فرزند با جنسیت خاصی بیشتر باشد احتمال بروز اختلال هویت جنسی در کودک غیرهمجنس با تمایل والدین بیشتر می شود (آلانکو و همکاران).				
۱۰	تاثیر آموزش تربیت جنسی بر هویت جنسی کودکان ۷ تا ۱۱ سال شهر شیراز	۱۳۹۷	سمیه یزدانی ، نادره ، سهرابی شگفتی	بررسی تاثیر آموزش تربیت جنسی بر هویت جنسی کودکان ۷ تا ۱۱ سال شهر شیراز				۵۶ دانش آموز مقطع ابتدایی در دو گروه آزمایش و کنترل / پرسشنامه هویت نقش جنسیتی در فرهنگهای مختلف /	آموزش تربیت جنسی بر هویت جنسی کودکان ۷ تا ۱۱ سال تاثیر معناداری دارد. در کل، نتایج این تحقیق نشان داد که تربیت جنسی موجب شکل گیری هویت جنسی در دانش آموزان می گردد	پیشنهاد میشود اجرای طرح تربیت جنسی در مهدهای کودک و مدارس توسط افراد متخصص در این حوزه بهصورت جدیتری اجرا شود و پژوهشگران بهصورت کاربردی تحقیقات بیشتری در این زمینه انجام دهند
۱۱	تجربه والدین از کودکی فرزند دچار اختلال هویت جنسی	۱۳۹۴	شهره محسنی آهویی ، مهرداد افتخار ، رضا نگارنده	بررسی کیفی تجربه والدین از دوران کودکی فرزند دچار اختلال هویت جنسی		ندارد (در حد پیشینه)	کیفی / روش نمونه گیری در دسترس و هدفمند،	مصاحبه عمیق ساختار نیافته / با ۱۰ نفر از والدین افراد دچار اختلال هویت جنسی	یافته های به دست آمده در چهار طبقه اصلی، با عناوین «شباهت به جنس مخالف/ تفاوت با هم جنسان»، «مشکلات مدرسه»، «نحوه برخورد با واقعیت وجود مشکل هویت جنسی» و «احساسات والدین» قرار گرفتند. والدین، واقعیت وجود مشکل هویت جنسی را در دوران کودکی فرزندشان به شیوه های مختلف تجربه کرده بودند، اما برخورد با واقعیت دیده شده را به شیوه های مختلف و با توجیحات گوناگون، به گذر زمان سپرده و از راه حل هایی مانند به تعویق انداختن، جدی نگرفتن، توجه نکردن و وعده دادن، کمک گرفته بودند.	ا توجه به یافته های به دست آمده از مطالعه حاضر، لزوم طرح ریزی برنامه هایی چندبعدی احساس می شود که در آنها از یک سو، به آموزش عموم مردم (از جمله والدین) و آموزش تخصصی اهل حرفه، جهت آشنایی با اختلال هویت جنسی پرداخته و از سوی دیگر، به مشارکت والدین افراد دچار اختلال هویت جنسی در فرایند تشخیص و درمان توجه شده باشد.
۱۲	دشواری های بین فردی در نوجوانان:	۱۳۹۰	صادق تقی لو ، امید شکری ،	بررسی نقش تفاوت های جنسی و سنی در دشواری		نظریه نقش جنسی	نمونه برداری تصادفی چند مرحله ای	۵۰۰ نوجوان ۱۲-۱۸ ساله (۲۷۶ دختر، ۲۲۴	نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری نشان دادند که عامل های جنس و سن در زیرمقیاس های دشواری های بین فردی اثر معنادار دارند،	

ردیف	عنوان مقاله	سال	نویسنده	اهداف / موضوع	فرضیه ها	نظریه	روش	نوع و تعداد پرسشنامه و مصاحبه	نتایج	پیشنهادات
	تفاوت‌های جنسی و سنی		سعید طولایی، علی تقوایی نیا	های بین فردی نوجوانان				پسر) / پرسشنامه دشواریهای بین فردی در نوجوانان (QIDA) با پنج مولفه جرئت ورزی، روابط با غیر همجنس، صحبت کردن در جمع، روابط خانوادگی و دوستیهای نزدیک /	دختران در زیرمقیاسهای جرئت ورزی، روابط با غیرهمجنس و صحبت در جمع، و پسران در زیرمقیاس های روابط خانوادگی و دوستی های نزدیک نمره های بالاتری به دست می آورند و نوجوانان در اوائل دوره نوجوانی در مقایسه با اواسط و اواخر این دوره در زیرمقیاسهای چندگانه دشواری های بین فردی نمره های بالاتری کسب می کنند. الگوی متمایز اثر معنادار جنس در زیرمقیاسهای چندگانه دشواری های بین فردی بر نقش محوری فرایند اجتماعی شدن نقش جنسی و اثر معنادار گروه های سنی در ابعاد مختلف دشواری های بین فردی بر نقش مهم دیدگاه شناختی اجتماعی الکایند درباره تحول نوجوان تاکید می کنند.	
۱۳	ارائه مدل رفتار منحرفانه جنسی نوجوانان دختر: تاملی بر رویکرد زمینه ای	۱۳۹۸	فقیهه مقدس نفیسه، مومنی راد فهیمه، شریفی سعید	کشف و تبیین چگونگی رفتارهای انحرافی نوجوانان دختر		نظریه مفهوم سازی بنیادی (GT)	روش کیفی استقرایی با استفاده از نظریه مفهوم سازی بنیادی (GT) / نمونه گیری نظری	۱۷ نوجوان دختر ۱۲ تا ۱۵ سال / مصاحبه نیمه ساختار یافته و عمیق در دو مرحله و از روش گراندد (سیستماتیک: استراوس و کوربین)	تحلیل درنهایت به ۹ مقوله اصلی کنش جنسی شده فناوری محور، فراغت خطر ساز، خود تحریکی انفعالی، اختلالات هیجانی، سیستم نامطلوب حمایتی والد والدینی، فقدان آموزش جنسی مطلوب، فقدان مهارت های خودتنظیمی انگیزشی، بی هویتی دینی و محرک های محیطی خود تحریکی و مقوله هسته «جامعه پذیری جنسی نابهنجار» انجامید.	

ردیف	عنوان مقاله	سال	نویسنده	اهداف / موضوع	فرضیه ها	نظریه	روش	نوع و تعداد پرسشنامه و مصاحبه	نتایج	پیشنهادات
۱۴	تحلیل رابطه بین زندگی و تربیت جنسی نوجوانان شهر زاهدان با نگاهی به پیش گیری از جرم	۱۳۹۷	اسحق بامری ، امیرحمزه سالارزایی	تحلیل رابطه بین سبک زندگی و تربیت جنسی نوجوانان شهر زاهدان می باشد تا تحلیل شود که سبک زندگی نوجوانان چه میزان در بزه آنان موثر است.	۱. بین سبک زندگی و تربیت جنسی رابطه مستقیم وجود دارد. ۲. بین تربیت جنسی نوجوانان دختر و پسر تفاوت معناداری وجود دارد.		کاربردی / توصیفی-تحلیلی مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای، اسنادی و میدانی	۲۰۰ نوجوان (۱۰۰ دختر، ۱۰۰ پسر) دبیرستان و راهنمایی / مطالعه و مرور اسناد و مدارک، مشاهده، مصاحبه و پرسشنامه	نتایج تجزیه و تحلیل فرضیه اول نشان داد، در تمامی شاخص های مطرح شده با SIG به دست آمده ۰/۰۰۰ گویای رابطه مستقیم و مثبت بین سبک زندگی و تربیت جنسی می-باشد. همچنین نتایج فرضیه دوم گویای، تفاوت معناداری بین دو گروه نوجوان دختر و پسر در وضعیت تربیت جنسی می باشد. و در کل تربیت مثبت جنسی در پیش از ارتکاب جرایم جنسی بطور معناداری موثر است.	
۱۵	برنامه های تربیت جنسی کودکان و نوجوانان: مرور نظامند	۱۴۰۰	حمید خانی پور، هومن یغماییان ، هانیه چیدری ، سمانه حسینی	بررسی سه سوال درباره تعریف و مفهوم سازی تربیت جنسی در دنیا، سرفصل های و مهارت های تربیت جنسی و اثرات این برنامه ها		مرور نظام مند		برنامه های تربیت جنسی طیف گسترده ای از آموزش های شیوه های محافظت جنسی از خود تا آموزش شیوه های اخلاقی سلامت جنسی قرار می گیرد. تعریف های اولیه از تربیت جنسی عام و رفتاری است ولی هر چه به جلو می رویم، تعریف ها ماهیت فرهنگ وابسته تر پیدا کرده اند. اثربخشی برنامه های تربیت جنسی در کاهش مشکلاتی مثل بارداری ناخواسته و محافظت از آزاردیدی جنسی موثر است. اتخاذ رویکرد جامع نگر به تربیت جنسی که به معنای استفاده از روش های مداخله مهارت آموزی روانشناختی و همراه کردن والدین و اولیای مدرسه است در تحقق برنامه های تربیت جنسی موثر است. بهتر است برای تضمین اثربخشی برنامه های تربیت جنسی، هر برنامه با توجه به جنبه های فردی و فرهنگی مخاطبان تعدیل شود.	پیشنهاد میشود برنامه های تربیت جنسی براساس یافته های این مطالعه برای اجرا در ایران مورد استفاده قرار گیرد و از روش های کمی و کیفی برای بررسی اثربخشی این برنامه ها استفاده شود.	
۱۶	پدیدارشناسی تربیت جنسی از دیدگاه کارشناسان	۱۳۹۵	مراد یاری دهنوی ، فاطمه	تبیین و تحلیل مفهوم تربیت جنسی و موانع و راهکارهای مربوط			روش پدیدارشناسی و شیوه نمونه گیری هدفمند	۱۲ نفر از مشاوران، معاونان پرورشی و دبیران دینی مدارس از	چهار مولفه اصلی تربیت (تبیین، ارائه معیار، تحرک درونی و نقادی) که وجه ممیزه تربیت از شبه تربیت است، به درستی تحقق نیافته است. از دلایل نامطلوب بودن تربیت جنسی در	

ردیف	عنوان مقاله	سال	نویسنده	اهداف / موضوع	فرضیه ها	نظریه	روش	نوع و تعداد پرسشنامه و مصاحبه	نتایج	پیشنهادات
	تربیتی در مدارس متوسطه شهر کرمان		ابراهیمی شاه آبادی	به آن از منظر کارشناسان تربیتی مدارس متوسطه شهر کرمان				طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته	جامعه، دو عنصر مهم «عامل نبودن متصدیان تربیت به اصول اخلاق جنسی» و «ضعف شدید در میزان آگاهی آن ها از نحوه تحقق تربیت جنسی» است. لازم به ذکر است به دلیل عملکرد نامطلوب مسئولان تربیت در زمینه تبیین (مولفه اول تربیت) که دارای عناصری همچون (ویژگی های تبیین کننده، شناخت مخاطب و روش های تبیین) است، سایر مولفه ها نیز به درستی شکل نگرفته اند.	
۱۷	شناسایی جایگاه برنامه درسی تربیت جنسی در نظام آموزشی	۱۳۹۹	زهره فلاوند، پروین صمدی، پروین احمدی، نرگس کشتی آرای	شناسایی جایگاه برنامه درسی تربیت جنسی در نظام آموزشی کشور در طی سال های ۱۳۸۰-۱۳۹۸		از نوع کیفی و از روش سنتز پژوهی شش مرحله ای روبرتس	۳۶ پژوهش	تربیت جنسی حایز چهار مضمون شامل شمشیر دوله بودن مفهوم تربیت جنسی، تهدیدها - فرصت های تربیت جنسی، تربیت جنسی مبتنی بر آموزش، زبان و فرهنگ در تربیت جنسی است. نتایج نشان داد که برنامه درسی تربیت جنسی در نظام آموزشی یک برنامه درسی خاموش است که با یک طراحی مدون توسط سیاست گذاران می توان آن را روشن نمود.		
۱۸	مروری بر مقالات نگاشته شده در تربیت جنسی فرزندان از دیدگاه اسلام (در بازه ی زمانی ۱۳۷۵-۱۳۸۹ در ایران)	۱۳۹۳	خدیجه حسین زاده باردئی، سید احمد موسوی باردئی	مروری بر مقالات نگاشته شده در زمینه ی تربیت جنسی فرزندان در بازه ی زمانی ۱۳۷۵ - ۱۳۸۹ در ایران		براساس نتایج جستجوی اولیه ۱۳۱ مقاله به دست آمد و بعد از جستجو در عنوان و چکیده، تعداد آن ها به ۲۴ عنوان رسید. سپس ۱۶ مقاله که به تبیین دیدگاه اسلام		یافته های مقاله ها در سطوح مشخصات عمومی، دسته بندی سوال های مقاله ها، بیان روش مقالات و استخراج یافته های مقالات و دسته بندی آن ها، بیان می شود. نتایج این مطالعه نشان می دهد در مورد اصول، مبانی و روش های تربیت جنسی پژوهش های خوبی ارائه شده اما هنوز جای تحقیق بیشتری در این زمینه وجود دارد. از سویی کمبود مقالات علمی پژوهشی در این زمینه و عدم توجه به مساله		

ردیف	عنوان مقاله	سال	نویسنده	اهداف / موضوع	فرضیه ها	نظریه	روش	نوع و تعداد پرسشنامه و مصاحبه	نتایج	پیشنهادات
							پرداختند، انتخاب شد.		تربیت جنسی با روش تبیینی خود همت محققان را می طلبد	
۱۹	واکاوی جایگاه و نقش تربیت جنسی در دوره ابتدایی و ارائه چارچوب آموزشی	۱۴۰۰	سمانه قدیریان پور عفت عباسی مرجان کیان	بررسی جایگاه و نقش تربیت جنسی در دوره ابتدایی و ارائه چارچوبی برای آموزش آن است			روش پژوهش تحلیل محتوای کیفی و مطالعه موردی / ابزارهای پژوهش شامل فهرست تحلیل محتوا و مصاحبه نیمه ساختار یافته بود	اطلاع رسانی های پژوهش عبارت اند از: کلیه کتاب های درسی دوره ابتدایی شامل ۴۱ کتاب و ۱۳ نفر از متخصصان تربیت جنسی کودکان که با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند از نوع ملاک محور و زنجیره ای انتخاب شده اند	یافته های پژوهش نشان داد که کتاب های درسی ابتدایی از منظر توجه به مؤلفه های تربیت جنسی وضعیت مطلوبی ندارند و فقط به برخی از مؤلفه های مهارتی در پایه ششم ابتدایی توجه شده است و از دیگر مؤلفه های دانشی، نگرشی و مهارتی تربیت جنسی در پایه های مختلف غفلت شده است. متخصصان، به علت داشتن نقش آموزشی و پرورشی همه جانبه در راستای ارتقا و تثبیت جایگاه مدرسه، توجه به تربیت جنسی در این دوره را لازم دانسته اند که هدف آن تن آگاهی، هویت یابی، حفظ بهداشت و ایمنی است. تربیت جنسی می تواند در چارچوب آموزش های رسمی در سه مرحله توانمندسازی خانواده، معلمان و دانش آموزان و در آموزش های غیررسمی با استفاده از رسانه های آموزشی و طرح بوم مدرسه در برنامه های درسی گنجانده شود. بر اساس یافته ها، به مجریان آموزشی توصیه می شود که توجه لازم را به ساحت تربیت جنسی در برنامه های درسی دوره ابتدایی داشته باشند.	
۲۰	بررسی عوامل مؤثر بر تربیت جنسی دانش آموزان نوجوان شهرستان تربت حیدریه در سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹	۱۳۹۹	حسینی خیرآبادی سیدحسن. مومنی مهمویی سیدحسین، زیرک	بررسی عوامل مؤثر بر تربیت جنسی دانش آموزان نوجوان شهرستان تربت حیدریه انجام گردید.			مطالعه توصیفی تحلیلی	۳۰۰ نفر از دانش آموزان دختر (۴۲ نفر) و پسر (۱۵۸ نفر) مقطع متوسطه تربت حیدریه / پرسشنامه	بر طبق نتایج، سه متغیر روش های تربیت جنسی، عوامل خانوادگی و ویژگی های شخصیتی افراد در مجموع حدود (۲۳٪) از واریانس تربیت جنسی را پیش بینی نمودند. روش های تربیت جنسی، ($\beta = 0/26$) از بیشترین قدرت پیش بینی کنندگی برخوردار بود. عوامل خانوادگی ($= 0/22$)، (β) و ویژگی های شخصیتی افراد ($\beta = 0/19$) در رتبه های بعدی قرار داشتند. نتیجه گیری: بر طبق یافته ها، روش های تربیت جنسی، عوامل خانوادگی و ویژگی های شخصیتی افراد، از بالاترین قدرت پیش بینی کنندگی و تأثیر برخوردار بودند. با توجه به حساسیت موضوع و تأثیر	پیشنهاد می شود در پژوهش های آتی تأثیر سایر متغیرها نظیر عوامل زیست شناختی، روابط بین فردی و عوامل بهداشتی مورد بررسی قرار گیرد. / منابع اطلاعاتی کافی و مناسب برای دانش آموزان در قالب محتوای آموزش رسمی در دوره های مختلف تحصیلی توسط نظام آموزشی ارائه گردد. با توجه به اشراف، تأثیر گذاری، جایگاه و نقش بی بدیل و برجسته ی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در زمینه این گونه آموزش ها، پیشنهاد می شود،

ردیف	عنوان مقاله	سال	نویسنده	اهداف / موضوع	فرضیه ها	نظریه	روش	نوع و تعداد پرسشنامه و مصاحبه	نتایج	پیشنهادات
			مهدی، اکبری احمد					خودکارآمدی عمومی شوارترز	آن بر ابعاد مختلف زندگی افراد، شناسایی عوامل موثر بر تربیت جنسی به متصدیان نظام آموزشی کمک می کند تا مسیر بهتری را برای پرورش این بعد مهم تربیتی در پیش گیرند.	علاوه بر برگزاری دوره های ویژه تربیت جنسی فرزندان برای والدین، پکیج ها و بسته های آموزشی خاص تربیت جنسی توسط این وزارتخانه تهیه و تدوین شده و در اختیار خانواده ها و مدارس قرار گیرد.

۴- مروری بر مطالعات انجام شده در مورد تربیت و هویت جنسی نوجوانان:

۴-۱- تبیین و تحلیل مفهوم تربیت و فهم جنسی:

در جهان معاصر، نشانه های جنسی را در هر کجا می توان مشاهده کرد. امروزه اگرچه بتوان بسیاری از کودکان را از مواجهه با دنیای جنسی و ورود به آن حفظ نمود و آن را به تعویق انداخت، مواجهه نوجوانان با آن انکارناپذیر است. نوع رواج مباحث جنسی از جامعه ای به جامعه دیگر متفاوت است. برای مثال در جامعه ما، مطرح کردن مباحث جنسی در موضع رسمی و عمومی امری عرفی نیست. در کنار این واقعیت، متأسفانه طرح مباحث جنسی در قالب شوخی، در محافل غیر رسمی بسیار متداول است. رواج لطایف، طنزها و حتی هزلیات جنسی در میان افراد صمیمی، یکی از ویژگی های جامعه ایرانی است. این خصیصه موجب شده است دانش جنسی در ایران با باورهای غلط و غیرجدی و ریاکارانه آمیخته شود که همین امر زمینه را برای سوء برداشت های گوناگون فراهم کرده است (احمدی، ۱۳۹۷). در جامعه ایران به دلایل فرهنگی و نه مذهبی، اکثر نوجوانان و به ویژه دختران اطلاعات درست و مناسبی در ارتباط با تغییرات بدنی و روانی در دوران بلوغ ندارند و چه بسا به دلیل کسب این اطلاعات از منابع ناآگاه و نامطمئن در زندگی خانوادگی خود دچار مشکلات جدی جسمی و روانی می شوند (لطیف نژاد و همکاران، ۱۳۹۱).

۴-۱-۱- از دیدگاه نوجوان؛

دختران نوجوان در فرایند اجتماعی شدن و به ویژه در دوران بلوغ و پس از آن در کنش های متقابل و همچنین متأثر از رسانه ها، فهم و سرمایه ی جنسی خود را بر ساخت می کنند و آگاهانه یا ناآگاهانه به صورت فعال در این دنیا قدم می گذارند. آنان حتی اگر از سوی دیگر افراد، متون و رسانه ها برانگیخته نشوند، در فرایند رشدشان بروز تفاوت های جسمانی را مشاهده می کنند و ذهن شان هر روز بیش از گذشته پر از سؤال می شود. از این رو، شناخت فرایند بر ساخت فهم جنسی نوجوان و اصلاح آن از اهمیت وافری برخوردار است؛ شناخت تغییرات مراحل چرخه زندگی برای سکسوالیته در بستری که کنش گران نسل های جدیدتر در پی واسازی بخش هایی از سناریوهای فرهنگی سنتی هستند، لازمه برنامه ریزی و آموزش هدفمند جنسی است.

در مطالعه حاجیان و همکاران در سال ۱۴۰۰ به این نتیجه رسیدند که؛ فرایند مواجهه دختران نوجوان شهر اصفهان با سکسوالیته از کودکی تاکنون در سه مقوله ی زیر می گنجد. این مفاهیم در ارتباط با یکدیگر بر زمان مند و تاریخ مند بودن سکسوالیته تأکید دارند و از مواجهه ابتدایی با آن و بر ساخت اولیه فهم تا مواجهه با اطلاعات جدید، بازاندیشی در تفکرات و نگرش ها و ادامه فرایند فهم تاکنون را روایت می کنند؛

• مواجهه پروبلماتیک با دنیای جنسی:

اولین فهم از رابطه جنسی، که اغلب در دوران ابتدایی و سپس متوسطه اول رخ داده، آمیخته با تعجب، هیجان و خنده بوده است؛ اطلاعاتی شگفت انگیز که بیشتر به شوخی و جوک شباهت دارد. علت این هیجان و خنده دار بودنش را می توان در ناشناختگی و رازآمیز بودن آن، ناباوری به آن با توجه به آموخته ها و توصیه های قبلی دانست. کودک یا نوجوان

آموخته است که اندام جنسی و خصوصی باید از دیگران پوشیده بماند و رابطه همسران، به ویژه در اوایل ازدواج، را عاطفی و عاشقانه می بیند و نمی تواند فعالیتی همراه با برهنگی کامل، دور از حیای آموخته شده و با خشونت و درد را تصور کند. فزونی چالش در فهم اولیه به دلیل حضور در دنیای کودکی است. فرایند بلوغ و تغییرات جسمانی - ذهنی و رشد شناختی، فهم را متفاوت می کند. در واقع، کودکان حتی اگر سابقاً تجربه ی خودتحریکی نیز داشته باشند، آنگاه که اطلاعاتی درباره رابطه جنسی کسب می کنند درک درستی از آن ندارند و قادر نیستند بین آن و رفتار خودشان ارتباطی برقرار کنند.

• سن محوری فهم جنسی:

ضعف دانش و اطلاعات جنسی برای برخی از دختران، به ویژه در دوران دبستان یا پیش از بلوغ، مشهود است. این بی اطلاعی در مورد بلوغ، رابطه جنسی و ابعاد دیگر سکسوالیته آن ها را درگیر فکر به بدن و سایر نگرانی ها نکرده است و بی دغدغه زندگی می کنند. ذهن سفید نشان از عدم ورود فرد به سکسوالیته بالغان دارد؛ مرحله ای که فرد ممکن است دوره قاعدگی را هم تجربه نموده باشد. در این مرحله است که از نظر سیمون و گاگن فرد هنوز نوجوان محسوب نمی شود، زیرا آن ها نوجوانی را آمادگی برای توانایی جنسی وی تعریف می کنند. از این رو، دوران بلوغ و رخداد قاعدگی سرآغاز ورود به دوره نوجوانی و فهم دنیای جنسی بالغان است. اغلب نوجوانان در این دوره تصور می کنند رابطه جنسی بخش ناشناخته سکسوالیته بوده است و پس از فهم آن اطلاعات خود را نسبتاً کافی می دانند. البته هرچه نوجوان فهم بیشتری را بر ساخت کرده و ابعاد بیشتری از سکسوالیته را شناخته است، به ناکامل بودن فهم خود بیشتر اذعان می نماید. به طور کلی توجه به سن، آمادگی ذهنی و شناختی و پیشامواجهه (آموزش پیش از تجربه) سه رکن اساسی در تعیین زمان آموزش جنسی هستند. نوجوانان در روایتشان اشاره می کنند که متوجه دنیای جنسی اطراف و پیام های جنسی هستند و از راه های مختلفی می توانند فهم جنسی را بر ساخت کنند. پس در نتیجه بهتر است که در زمان مناسب دانش جنسی به صورت علمی به آن ها آموخته شود.

• ابهام زدایی از فهم جنسی:

نوجوان گاهی که دچار ابهام است، پاسخی برای سوالاتش نمی یابد یا معنای کلیدواژه ای را نمی داند، خود را به دست زمان می سپارد تا در موقعیتی مناسب به جست و جوی آن بپردازد یا اطلاعاتی دریافت کند. وی به ویژه در ابتدای مسیر بر ساخت فهم، که ابهامات و فهم پاره پاره را تجربه می کند، تا زمان کسب اطلاعات جدید و یافتن پاسخ سؤال هایش در آینده خود را به زمان می سپرد، صبر می کند و فهم خود را به آینده موکول می کند؛ این پایبندی بر «اصل و غیره» است که طبق آن افراد، در صورت ابهام، فهم را به تأخیر می اندازند و پیگیر نمی شوند، زیرا می دانند که به آن دست خواهند یافت. اصل و غیره تحمل ابهام را امکان پذیر می کند؛ هر چه کنجکاوی نوجوان بیشتر باشد، در مدت کوتاه تری به این اصل پایبند است. در مقابل اتکای طولانی مدت بر آن می تواند فهم ناقص یا غلط نوجوان را تا مدت ها حفظ کند. نوجوان تاحدودی ابهام را تاب می آورد، ولی در این حین با توسط به هرآنچه از سناریوهای فرهنگی و الگوهای بین فردی آموخته و دریافت کرده است، تخیلات و فانتزی های ذهنی خود را می پروراند و الگوهای درون روانی را بر ساخت می کند. این زمان مند بودن سکسوالیته است که به فرد کمک می کند از فهم تکه تکه رها شود، شرم و ترسش کاسته یا تمام شود و حتی از نوعی به نوعی دیگر تغییر یابد. اصلاح فهم موجب تغییر نگرش افراد می شود و مزایای فردی و

اجتماعی را در بردارد. اصلاح فهم در طول زمان به نوجوان می آموزد که دانسته های او هرگز کامل نیست و هنوز هم نادانسته ها و تکه های گم شده ای از پازل فهم وجود دارند (حاجیان و همکاران، ۱۴۰۰).

بر اساس یافته های مطالعه فرجیان و هنرپروران (۱۳۹۸) نوجوانان به علت عدم آموزش جنسی مناسب برای رفع تمایلات جنسی خود، به کنجکاوی جنسی در فضاهای مجازی جنسی و رؤیا پردازی نسبت به جنس مخالف، معاشقه و سکس می پردازند. همچنین نتایج بیانگر تشدید روابط دوستی با جنسی مخالف و روابط جنسی پیش از ازدواج به علت عدم آگاهی از پیامدهای آن و نیز گماشتن فضای مجازی جنسی به عنوان منبع یادگیری مسائل جنسی و تقلید از آن، بوده است، در پی این ناآگاهی نوجوانان ناخواسته به انجام رفتارهای جنسی پرخطر گرایش پیدا می کنند بدون اینکه بدانند خطراتی مانند بیماری های مقاربتی آنها را تهدید می کند و در نتیجه چالش هایی مانند شکست عشقی، بارداری ناخواسته، ترس از ازاله بکارت و طرد شدن، ترس از تنبیه و تلاش برای مخفی نگه داشتن روابط دوستی، آنها را درگیر می کند. یافته ها بر تاثیر رسانه ها و فضای مجازی جنسی در درجه ی اول و بعد از آن دوستان و همسالان در افزایش تعارضات جنسی و رفتارهای پرخطر جنسی تاکید دارد. بر اساس این مطالعه ۹ حیطه زیر تعارضات اصلی جنسی نوجوان محسوب می شوند:

تمایلات: حیطه وسیعی از مسائل جنسی و جسمی، نیازها، امیال و احساسات است و پدیده ای طبیعی است که در اثر ترشح هورمون های جنسی در بدن شکل می گیرد، در دوره نوجوانی که ریش جنسی شکل گرفته و ترشح هورمون ها بیشتر می شود، تمایل جنسی نیز اوج می گیرد و نوجوانان برای تخلیه فشارهای هیجانی و روانی ناشی از آن، به دنبال احساس امنیت و آرامش می گردند.

کنجکاوی و تخیلات جنسی: نوجوانان در اثر غلیان میل جنسی به کنجکاوی جنسی و فکر کردن به جنسی مخالف می پردازند. برای نوجوانان بسیار مهم است که درباره تحولات گوناگونی که در دوران نوجوانی برایشان رخ می دهد و تمایل آنها را به سمت فعالیت جنسی بیشتر سوق می دهد، اطلاعات به دست بیاورند. خیال پردازی جنسی برای نوجوانان راهی برای ارضا نیاز جنسی محسوب می شود. مهم ترین تعارض نوجوانان عدم دسترسی به منابع مطمئن برای رفع کنجکاوی جنسی است که به همین علت برای رفع کنجکاوی خود به فضای مجازی جنسی تکیه می کنند.

فضای مجازی و فیلم پورن: فیلم های پورن منبع کسب اطلاعات جنسی برای نوجوانان محسوب می شود. در صورتی که افراد نه تنها از طریق تماشای این فیلم ها، نمی توانند شناخت جنسی خود را گسترده بلکه خیال پردازی جنسی می کنند که ایدئال و معمولاً غیرمتعارف است. در پی تجربه آن در واقعیت هستند و غیراز آن را لذت نمی دانند.

عشق و رابطه جنسی: از چالش هایی که دختران با آن روبرو هستند وابستگی و شکست عشقی و بارداری های ناخواسته است، زیرا در رابطه دوستی دختران به دنبال عاطفه و محبت هستند، در نتیجه وابستگی عاطفی پیدا می کنند و در اثر تمام شدن رابطه دچار شکست سنگین عاطفی می شوند. علت بارداری های ناخواسته نبود اطلاعات و آگاهی درباره روش های پیشگیری از بارداری است. چالش مهمی که پسران نوجوان بیشتر با آن روبرو هستند تقابل بی اعتمادی و اعتماد به کسی که رابطه جنسی داشته است، زیرا فکر می کنند فردی که رابطه جنسی داشته همیشه به دنبال روابط جنسی متعدد است و حتی بعد از ازدواج نیز خیانت می کند.

بلوغ: در آغاز نوجوانی، اغلب افراد به دوره ای سریع از رشد جسمانی گام می گذارند که با رشد تدریجی اندام های تناسلی و ویژگی های جنسی ثانوی همراه است، این تغییرات با بلوغ جنسی به اوج می رسد، در نتیجه این تحولات در دختران و پسران رشد جنسی روی می دهد، میل جنسی آنها افزایش یافته و کشش آنها به جنس مخالف و میل به ارضا جنسی به بیشترین حد می رسد. مهم ترین چالش دختران نوجوان در دوره بلوغ عادت ماهانه است که در برخی موارد با نگرانی همراه بوده است و از تعارضات کلی نوجوانان عدم آموزش رسمی درباره بلوغ است که باعث ناآگاهی فرد از طبیعی بودن تغییرات بدنی و جنسی و در مواردی ترس، اضطراب و خجالت از تغییرات جنسی می شود.

ازدواج: نوجوانان در سن تحول هویتی هستند و نمی توانند درباره ازدواج تصمیم منطقی بگیرند و درصد انتخاب اشتباه در آنها بسیار زیاد است، چون فقط بر میل جنسی تمرکز دارند و چون از سوی خانواده و جامعه تحت فشار هستند و رابطه با جنسی مخالف به طور کلی برای آنها تابو هست و به ازدواج تشویق می شوند، در نتیجه به روابط جنسی پنهانی روی می آورند و گرایش به هم باشی و سکس در آنها بیشتر می شود. از چالش هایی که نوجوانان با آن مواجه اند فکر نکردن به ازدواج است که علت آن را از بین رفتن آزادی جنسی خود می دانند، زیرا در این گرایش به تجربه دوستی با افراد متعدد در نوجوانان زیاد است و نمی توانند به زندگی با یک فرد متعهد شوند.

دوستی با جنس مخالف: تعارض دیگر پذیرفته نشدن دوستی با جنس مخالف در ایران، است که نه تنها به نوجوانان آموزش های لازم و مفیدی در این زمینه داده نمی شود بلکه والدین، مسئولان مدارس بدون داشتن درجه بندی مشخص از نوع ارتباط، افراد درگیر دوستی با جنس مخالف را مورد آزارهای گوناگون روانی و جسمانی قرار می دهند و باعث می شوند که به تماس های پنهانی، همراه با رنج، خشم و عصبان گری علیه بزرگترها منجر شود. مهم ترین چالش نوجوانان در این زمینه فشار گروه همسالان از یک سو است که آنها برای کم نیابردن در مقابل دوستان به رابطه با جنس مخالف روی می آورند و فشار خانواده و جامعه از سوی دیگر برای پیشگیری از روابط دوستی است که آنها را به پنهان کردن رابطه سوق می دهد.

پرده بکارت: باکره بودن و نداشتن تجربه جنسی پیش از ازدواج یک ارزش تلقی می شود و باعث چالش و تنش های شدید روحی - روانی در دختران شده است. بکارت مهم ترین تعارض دختران نوجوان محسوب می شود که با توجه به دید منفی جامعه به ازاله بکارت قبل از ازدواج و ترس از طرد شدن و احساس بی ارزشی از نبود بکارت آن را یک محدودیت در برابر خود برای آزادی جنسی می دانند.

خودارضایی: از مهم ترین چالش های نوجوانان در این زمینه ترس از اثرات بد خودارضایی بر بدن، احساس گناه و عذاب وجدان است که علت آن را اعتقاد مذهبی مبنی بر گناه دانستن خودارضایی می دانند (فرجیان و هنرپروران، ۱۳۹۸).

تجربه دشواری های بین فردی در نوجوانان به فقدان تعامل های بین فردی موفقیت آمیز با همسالان (همجنس و غیرهمجنس) و والدین و نیز نبود جرأت و ورزی در آنها اطلاق می شود. در پژوهش تقی لو و همکاران (۱۳۹۰) برخی نتایج نشان دادند که دختران در زیر مقیاس های جرأت و ورزی، روابط با غیرهمجنس و صحبت در جمع و پسران در زیر مقیاس

های روابط خانوادگی و دوستی های نزدیک میانگین بالاتری به دست می آورند. افزون بر این، در زیر مقیاس ها صحبت در جمع و روابط خانوادگی نمره های گروه سنی ۱۳-۱۲ سال از گروه های سنی دیگر بالاتر بود. با توجه به این دختران در زیر مقیاس های جرأت ورزی، روابط با غیرهمجنس و صحبت در جمع و پسران در زیر مقیاس های روابط خانوادگی و دوستی های نزدیک نمره های بالاتری کسب کردند. همچنین در ابعاد چندگانه دشواری های بین فردی، نوجوانان ۱۲-۱۴ ساله از نوجوانان گروه سنی ۱۸-۱۶ سال مشکلات بیشتری را تجربه می کنند.

بنابر نظریه نقش جنسی، سطوح متفاوت تجربه های دشواری های بین فردی در دو جنسی ناشی از مطالبات و انتظاهااری موقعیتی و وابسته به نقش های جنسی است. بدین ترتیب، با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش تقی لو و همکاران (۱۳۹۰) به نظر می رسد که مواجهه با انتظاها و مطالبات وابسته به نقش های جنسی - به مثابه یک عامل موقعیتی - در تبیین سطوح متمایز سهم موقعیت های برانگیزاننده دشواری های بین فردی در دو جنس، در بین نوجوانان دختر در مقایسه با نوجوانان پسر، اهمیت بیشتری دارد. بنابراین، ادراک نوجوانان دختر و پسر از انتظارات نقش جنسی سبب می شود که بافت های تعامل بین فردی، برای دو جنس، سطوح متمایزی از دشواری های بین فردی را به همراه آورد.

در این مطالعه به منظور تحلیل الگوی آثار متغیرهای جمعیت شناختی سن و جنس بر دشواری های بین فردی در نوجوانان، از یک طرح مقطعی استفاده شد. تکرار و بسط این یافته ها مستلزم به کارگیری طرح های طولی است. استفاده از برنامه های مداخله ای مشابه، با هدف کاهش سطوح دشواری های بین فردی در دختران و پسران، اثربخشی آنها را تضمین نمی کند. از سوی دیگر، معناداری عامل سن در تبیین تجربه های بین فردی دشوار در نوجوانان بر این نکته تأکید می کند که کارایی برنامه های مداخله ای در گروه آن است که این برنامه ها برای اوایل دوره نوجوانی، در مقایسه با اواخر دوره نوجوانی، شدت و مدت بیشتری داشته باشند (تقی لو و همکاران، ۱۳۹۰).

۴-۱-۲- از دیدگاه کارشناسان تربیتی؛

پژوهش های مذکور نشان می دهد که مبحث تربیت جنسی از منظرهای گوناگونی مورد نظر پژوهشگران قرار گرفته است؛ در یکی از این مطالعات تجربه زیسته کارشناسان تربیتی در مدارس (مشاوران، کارشناسان دینی و پرورشی) را درباره مؤلفه هایی از تربیت جنسی همچون معنا و مفهوم زیسته آنها از تربیت جنسی، ویژگیهای فرد تربیت یافته جنسی، ارزیابی عملکرد مسئولان و راهکارهای پیشنهادی آنها برای بهبود وضعیت تربیت جنسی را مورد واکاوی قرار دهد و با دیدی بازتر به این مسئله بپردازد. برای رسیدن به این مقصود، مؤلفه اصلی تربیت مورد توجه قرار گرفته است. «تبیین»، «ارائه معیار»، «تحرك درونی» و «نقادی»، چهار مؤلفه اصلی تربیت است که وجه ممیزه تربیت از شبه تربیت به حساب می آید. منظور از تبیین این است که فرد، نسبت به تغییراتی که قرار است در او ایجاد شود، بصیرت و آگاهی یابد. به این ترتیب مربی تنها به ایجاد تغییر در رفتار و حالات فرد نمیپردازد؛ بلکه باید علاوه بر آن، نسبت به این تغییرات، بینشی در فرد فراهم آورد تا شخص، علت انجام کاری که نسبت به آن امر یا از آن نهی شده را دریافته و نوعی بصیرت در فرد نسبت به چرایی یا حکمت تغییری که قرار است در او رخ دهد، به وجود آید. از دل چنین بینشی است که معیارها ارائه میشود. دومین مؤلفه اساسی در تربیت، ارائه معیارهاست. متربی با در اختیار داشتن معیارها، نه تنها میتواند دلیل تغییر در

رفتارهای خود را بفهمد؛ بلکه میتواند وضعیت های مطلوب را از نامطلوب تشخیص دهد. پس از ارائه معیارها، سومین مؤلفه تربیت، یعنی «تحرک درونی» در فرد ایجاد می شود. تحرک درونی فرآیندی است که در آن، فرد انگیزه های عمل خود را به صورت روشن و بارز ملاحظه میکند؛ به طوری که میتوان گفت به یک نوع برخورداری از درون رسیده است. از این منظر، تربیت فرآیندی است که سرانجام تحول درونی در فرد رخ میدهد و او با انگیزه های روشن، میداند که چگونه رفتار کند، چگونه بیندیشد و چه ویژگی هایی داشته باشد. در این مرحله است که ارزشها در حوزه تربیت، درونی شده و همین درونی بودن، حرکت به سوی آنها را سهل و آسان کرده و زمینه را برای چهارمین مؤلفه تربیت، یعنی «نقادی» فراهم میکند. به عبارت دیگر، پس از تبیین و ارائه معیار، انگیزه درونی به سوی عمل در فرد شکل گرفته و او آمادگی نقادی پیدا میکند. معیارها نقش مهمی در نقادی دارند؛ چرا که ارزیابی و نقادی برحسب مطابقت موقعیت ها، با معیارها شکل میگیرد (دهنوی و ابراهیمی، ۱۳۹۵).

نتایج مطالعه دهنوی و ابراهیمی (۱۳۹۵) از مصاحبه با ۱۲ نفر از مشاوران، معاونان پرورشی و دبیران دینی مدارس نشان داد که؛ مصاحبه شوندگان، تربیت جنسی را مفهومی دانسته اند که باید در بعد فردی و اجتماعی تحقق پذیرد. آگاهی فرد از حکمت آفرینش این غریزه، دانستن اثرات مثبت و منفی جسمی و روحی آن، توانایی خویشتننداری و عفاف، رعایت حلال و حرامهای شرعی در این زمینه، پرهیز از پنهان کاری هنگام مواجهه با مشکل، کسب مهارت خود مراقبتی در مقابل بیماریها و انحرافات جنسی مانند خودارضایی و علم فرد به مراحل رشد جنسی خود را نشان دهنده تربیت جنسی در بعد فردی قلمداد کرده اند. در بعد اجتماعی نیز، آگاهی فرد از نحوه ارتباط با جنس مخالف، احترام به حریم خصوصی دیگران، دوستی با افراد پایبند به اخلاقیات و علم به تأثیر عوامل محیطی، اجتماعی، زیستی و فرهنگی بر تربیت جنسی را، نمونه هایی از مصادیق تربیت جنسی افراد در بعد اجتماعی دانسته اند. به باور مصاحبه شوندگان، فردی که نسبت به موارد مذکور آگاهی کافی داشته باشد، به مرحله ای میرسد که میتواند به تنهایی و بدون نیاز به نظارت بیرونی، از خودش مراقبت کرده، غریزه اش را به راحتی کنترل کند و در نتیجه برای نقش (همسر و مادر و پدر شدن) که باید در بزرگسالی پذیرا باشد، آماده شود. البته برای تحقق این ویژگی ها در افراد، باید به مواردی از جمله زمان و مکان تربیت و روش ها و محتواهای مناسب نیز توجه داشت. طبق نظر مصاحبه شوندگان، بهترین زمان برای تربیت جنسی، دوره کودکی و بهترین مکان، محیط خانه است. همچنین اولین مسئولان تربیت جنسی نیز، والدین هستند.

انتقادی که بر عملکرد و نحوه هماهنگی و همکاری مسئولان تربیت با هم وارد است شامل دو بخش می شود یکی، اشتباهات رایج در امر تربیت جنسی و دیگری موانع و محدودیت هایی که مانع تحقق تربیت جنسی افراد می شود. احساس نیاز نکردن والدین به آموزش در این زمینه، نبود فرهنگ مراجعه به مشاور در خانواده ها، محول کردن وظایف خود (والدین) به مدرسه و بالعکس، نبود ارتباط میان خانواده و دانشگاه، چشم پوشی بیجای والدین از انحرافات فرزند، همراه شدن برخی والدین با بی اخلاقی های فرزندان به جای آموزش و اصلاح آنها، ارائه آموزشها به والدین به صورت مقطعی و موقتی (مانند مشاوره قبل از ازدواج به جای آموزش های مدون و پایه ای)، بی توجهی به تقدم اصل پیشگیری مقدم بر درمان در امر تربیت جنسی، اغماض برخی مسئولان نسبت به واقعیت های نامطلوب جنسی در جامعه، کتمان برخی مسائل ضروری و آموزش ندادن آنها به دلیل پیش فرض های نادرست ذهنی (به عنوان مثال ترس از بی حیا شدن

افراد) از جمله اشتباهات رایج در امر تربیت جنسی در جامعه است که مصاحبه شوندگان با ذکر مصادیق عینی، به آنها اشاره کرده اند. در بخش موانع و محدودیت ها در تربیت جنسی، چون افراد نمونه پژوهش، شاغل در آموزش و پرورش هستند، از زاویه کار و تجربه خود به نقد این موضوع پرداخته اند. بنا به تجربه این افراد، از یک سو تا به حد محسوب شدن برخی آموزش های لازم در مدرسه و مخالفت مدیر و بعضی خانواده ها با بیان این مسائل و نبود محتوای آموزشی وزارتی مدون در این زمینه، تربیت جنسی از طریق مدارس را با محدودیت ها و مشکلاتی مواجه کرده است. همچنین از سوی دیگر، تفاوت سنی و بلوغ جنسی دانش آموزان، متناسب نبودن محتوای رسمی آموزشی با مشکلات دانش آموزان، کم بودن ساعات کار مشاور مدرسه و گنجانده نشدن واحد درسی در این زمینه، از جمله عوامل محدودیت آفرین در مسیر تربیت جنسی در مدارس است. مصاحبه شوندگان بر این باور هستند که در اکثر مواقع بین آموزه های مدرسه با محیط خانواده و محیط جامعه، تعارض وجود دارد و همین نبود هماهنگی بین نهادهای مختلف و وجود تعارض ها، از موانع مهم تحقق یافتن تربیت جنسی در جامعه است. یکی از آفات تربیت، وجود دوگانگی در رفتارهای متریان است. افراد نمونه پژوهش در پاسخ به این سؤال، بر وجود یک عزم و همت همگانی تأکید کرده و مواردی از قبیل آموزش و آگاهی بخشی به تمام اقشار جامعه، نظارت بر عملکرد افراد در جامعه، احساس مسئولیت همه افراد در این زمینه، عمل به وظایف و تلاش برای هماهنگ کردن آموزه های تمام نهادها با یکدیگر را در شکل گیری تربیت جنسی افراد مؤثر و مفید دانسته اند (دهنوی و ابراهیمی، ۱۳۹۵).

۴-۱-۳- آسب شناسی:

۴-۱-۳-۱- اختلال هویت جنسی:

از آنجا که نحوه نگرش به هویت جنسی در خانواده روی چگونگی تجربه آن در مورد فرزند و احساسات بر آمده از این تجربه مؤثر است، طراحی مداخلات کارآمد که به پذیرش و تطابق مناسب تر خانواده ها منجر شود، لازم است. به این منظور، گام اول شناسایی افکار و احساسات خانواده ها درباره هویت جنسی و چگونگی تجربه آن است. هدف تحقیق محسنی و همکاران (۱۳۹۴) مطالعه تجربه والدین در دوران کودکی فرزند مبتلا به اختلال هویت جنسی، با یک روش کیفی، بوده است. این پژوهش به تجربه والدین از دوران کودکی فرزندان دچار اختلال هویت جنسی پرداخته و اولین مطالعه ای در ایران است که صدای والدین مبتلایان به این اختلال در آن شنیده شده است. در این تحقیق، ده والد (هفت مادر و سه پدر)، تجربه خود را از پرورش فرزند با اختلال هویت جنسی با ما به اشتراک گذاشتند و تجارب حاصل نهایتاً در چهار طبقه اصلی «شباهت به جنس مخالف/ تفاوت با هم جنسان»، «مشکلات مدرسه»، «نحوه برخورد با واقعیت وجود مشکل هویت جنسی» و «احساسات والدین» قرار گرفت. نکته مهم در این مطالعه پر رنگ بودن عنصر زمان در تجربیات والدین بود و می توان گفت که این طبقات چهارگانه نیز از توالی زمان تبعیت می کردند؛ بدین معنا که ابتدا شباهت فرزند با جنس مختلف و تفاوت او با همجنسان، توسط پدر و مادر مشاهده می شد و با بزرگتر شدن کودک و رسیدن به سن مدرسه، این وضعیت با کشمکش هایی بین کودک و والدین بر سر نوع پوشش و مدرسه همراه شده و در مرحله بعد، این موضوع اغلب به گذر زمان سپرده می شد و احساسات منفی که والدین گزارش می کردند، پیامدهای به تعویق انداختن مواجهه با واقعیت بود.

در اولین طبقه یعنی «شباهت به جنس مخالف/ تفاوت با هم جنسان»، بیشتر والدین از «مشاهده» شباهت فرزند ترانس سکسوال خود به جنسی مخالف و تفاوت او با سایر فرزندان سخن گفتند و تقریباً هیچ یک از ابراز مستقیم و مکرر «کلامی» کودک مبنی بر تعلق به جنس مخالف تجربه ای نداشتند. طبقه دوم، «مشکلات مدرسه» بود و همانطور که اشاره شد، این تجربه تنها توسط والدین دختران مبتلا گزارش شد. از آنجا که ایران کشوری اسلامی است، از دوران دبستان، مدارس دخترانه و پسرانه جدا هستند و دختران ملزمن پوشش اسلامی (پوشش مقنعه و مانتو) داشته باشند. دختران مبتلا از اینکه باید به مدرسه دخترانه می رفتند و مقنعه می پوشیدند، اظهار نارضایتی می کردند. اما در کشورهای غربی، مدارس مختلط هستند و دختران ملزم به رعایت حجاب نیستند. این نکته بر لزوم توجه مضاعف به وضعیت کودکان مبتلا به اختلال هویت جنسی در ایران تأکید و به اهمیت شناسایی این اختلال در سنین خردسالی اشاره می کند. سومین طبقه به دست آمده «نحوه برخورد با واقعیت وجود مشکل هویت جنسی» بود. او چگونگی فرایند آشکار سازی هویت کودکی مبتلا به اختلال هویت جنسی در خانواده، براساس تجربه بالینی و با به کار گیری «چهارچوب چرخه زندگی» برای هر خانواده، را به صورت زیر توصیف کرده است: ۱- «کشف و افشاسازی»: حتی هنگامی که موضوع قابل پیش بینی است، تحقق واقعیت خود یک کودک دچار ملال جنسیتی ممکن است آسیب عمیقی برای خانواده باشد. ۲- «جنجال و آشفتگی»: دوران ناآرامی خانواده؛ آنها بر سر واقعیت مشکلات کودکشان با هم نزاع می کنند. ۳- «مذاکره»: دوره انطباق و مصالحه؛ خانواده بر سر آنچه در محیط های خصوصی و عمومی قابل قبول و آنچه غیر قابل قبول است، تدبیر می کند. ۴- «تعادل»: پایان راز درونی خانواده و حل و فصل نابسامانی داخلی. در طبقه آخر که «احساسات والدین» نام گذاری شد، شرکت کنندگان از تجربه احساساتی، نظیر تقصیر، گناه و پشیمانی که به دنبال آگاهی از اختلال هویت جنسی فرزند ایجاد شده بود، صحبت کردند. این احساسات از یک سو، به دلیل جبران ناپذیر بودن فرصت از دست رفته و از سوی دیگر، به خاطر احساس شکست در مسئولیت فرزندپروری و درک همه جانبه فرزند، شکلی پیچیده و گهگاه فرساینده می گرفت. در نهایت باید گفت آنچه در این مقطع اهمیت دارد، طرح ریزی برنامه هایی چند بعدی است که در آن به ضرورت شناخت بیشتر اختلال هویت جنسی منجر شود و از درد و رنج این افراد و خانواده هایشان و نیز انگ اجتماعی بکاهد (محسنی و همکاران، ۱۳۹۴).

۴-۱-۲-۳-۴ رفتارهای انحرافی:

با توجه به اینکه ۱۶/۳۳ درصد جمعیت کشور در سن نوجوانی قرار دارند و رفتارهای مخاطره آمیز اولین بار در دوره نوجوانی و قبل از نوزده سالگی اتفاق می افتد و در اکثر موارد لابیالی گریه های جنسی در سنین ۱۶-۲۱ سالگی رخ میدهد حدود یک ششم جمعیت کشور در معرض رفتارهای پرخطرند. از طرفی، اقدامات پیشگیرانه طی سالهای اولیه نوجوانی مؤثرتر از برنامه هایی هستند که بعداً برای اصلاح عواقب ناخواسته رفتارهای پرخطر صورت می گیرد و با توجه به اینکه رفتارهای جنسی نوجوانان با توجه به دانش، نگرش، ارزشها، عقاید و هنجارها شکل میگیرد، توجه به دیدگاه های نوجوانان و بررسی موشکافانه تصمیم گیری های جنسی در این گروه بسیار مهم، حیاتی و زیربنایی است. بنابراین، پژوهش فقهی مقدس و همکاران (۱۳۹۸) در نظر دارد با رویکردی تفسیرگرایانه به

ارزیابی ذهنی و کشف و تحلیل رفتار منحرفانه جنسی نوجوانان بپردازد و دیدگاه‌ها، علل و پیامدهای آن را بررسی کند؛

کنش جنسی شده فناوری محور: بخش زیادی از زمانی که نوجوان در ارتباط با تکنولوژی و فناوری نوین ارتباطی میگذراند صرف امور جنسی میشود؛ مانند خواندن رمان‌های اینترنتی که عامل تسهیل کنش‌های اینترنتی با محوریت جنسی میشود. مشارکت کنندگان در این بستر بی نام و نشان اینترنتی به تعاملات خاص جنسی دست میزنند؛ تعاملاتی که زمینه ساز رفتارهای انحرافی جنسی است.

فراغت خطرناک: یافته‌ها نشان میدهد سوء مدیریت اوقات فراغت اغلب موارد زمینه ساز رفتارهای منحرفانه جنسی نوجوانان است، زیرا اوقات فراغت اختیاری است که پس از اوقات درسی یا کار مشخص به فرد امکان میدهد فعالیت ذهنی، تفریحی یا سرگرم کننده مطابق با سلیقه خود انجام دهد. شخص در این اوقات از آزادی نسبی برخوردار است و میتواند به دور از فشارهای درسی و کاری و... به آرامش دست پیدا کند. تجربه یکی از مشارکت کنندگان نشان میدهد بر اثر فشار بالای کلاسهای متفرقه در تعطیلات مدرسه و مداومت این کلاسها در طول سالیان متوالی برای آرامش نسبی و کم کردن فشار ناشی از برنامه‌های متفرقه دست به اعمال انحرافی میزند.

خودتحریکی انفعالی: مشارکت کنندگان در این پژوهش از یک طرف به عوامل ناخودآگاهی اشاره میکنند که به تحریک آنها در زمانها و مکانهای مختلف منجر میشود؛ عواملی که مشارکت کننده اذعان میکند در کنترل و اراده او نیست. باعث خودتحریکی ناخودآگاه آنها میشود. از طرف دیگر، بخشی از این تحریکها به صورت خودآگاه و ارادی انجام میشود که ممکن است بر اثر عوامل ناخودآگاه، که قبلاً توضیح داده شد، تحریک شوند و بعد برای ارضای نیاز جنسی خود به ارضای نامتعارف میل جنسی دست بزنند.

اختلالات هیجانی: اغلب مشارکت کنندگان که مدتی به یکی از رفتارهای انحرافی جنسی مشغول اند اذعان دارند افعالی از آنها سر میزند که اغلب غیرارادی است یا کنترل آن در مرحله اول برای ایشان سخت است. این میتواند به صورت پرخاشگری به خانواده و دوستان باشد. مشارکت کنندگانی که مدت طولانی است به این اعمال نامتعارف جنسی دست میزنند اغلب دچار عوارض جسمی و روحی اند. میتوان گفت اقدام به خودارضایی مکرر یا تخیل جنسی مداوم و بیش از حد، عوارض روحی و جسمی فراوانی برای مشارکت کنندگان داشته است: سیاهی دور چشم، ریزش مو، کم شدن حافظه، ضعیفی چشم، لاغر شدن و بی اشتهايي از موارد پرتکراری است که اغلب در اکثر نوجوانان شرکت کننده دیده میشود.

سیستم نامطلوب حمایتی والد-والدینی: محیط خانواده نخستین پایگاهی است که فرزند در آن رشد میکند و شخصیت وی شکل میگیرد. نظام حمایتی مطلوب خانواده میتواند هویت نوجوان را به شکل متعارف شکل دهد و از انحراف او جلوگیری کند. سرزنش مداوم و مقایسه با همسالان باعث تخریب شخصیت نوجوان میشود.

ناکارآمدی ساختار آموزشی جنسی: همه مشارکت کنندگان اذعان داشتند که به طریقی در خانواده یا در ارتباط با دوستان با تعاملات جنسی (از کیفیت رابطه جنسی) مطلع شدند. مبحث دیگری که همه مشارکت کنندگان را درگیر کرده بود بلوغ زودرس و مسائل مربوط به آن بود. رسیدن به سن بلوغ و بی توجهی اطرافیان به آن به بحران بزرگی برای نوجوانان تبدیل شده بود.

فقدان مهارت های خود تنظیمی انگیزی: احساس دل بستگی به اطرافیان، به خصوص در دختران، نقش مهمی در حمایت از آنان در شرایط استرس آور دارد. برخی از مشارکت کنندگان احساس تعلق به خانواده و دوستان نداشتند. البته بعضی از مشارکت کنندگان چون قادر به برقراری ارتباط نیستند و دوستی های آنها اغلب تداومی ندارد منزوی میشوند. از مجموع آنچه گفته شد، میتوان نتیجه گرفت نوجوان عملکرد مهارتی خوبی در برخورد با برخی مسائل انگیزی ندارد. در واقع فاقد مهارت های خودتنظیمی است که بتواند فرایندهای درونی و ذهنی خود را کنترل کند و در زمان مناسب اقدام لازم را انجام دهد و فعالیتهای یادگیری، شناخت، انگیزه و رفتار خود را تنظیم و کنترل کند.

بی هویتی دینی: دین و مذهب کارکردهای فراوانی در زندگی فردی و اجتماعی افراد دارد. امروزه با وجود افزایش ارتباطات و فناوری های جدید کارکرد دین در زندگی افراد کمرنگ شده است، ولی هنوز هویت دینی یکی از ابعاد مهم هویت بخشی، به خصوص در جامعه ایران، است. افراد شرکت کننده در این پژوهش احساس تعلق به رفتارها و ارزش های دینی نداشتند.

محرك های محیطی خود تحریکی: تجربه مشارکت کنندگان نشان میدهد محرك های جنسی در خانواده یکی از عوامل خودتحریکی آنهاست.

توجه به فرآیند جامعه پذیری جنسی نوجوانان میتواند از بسیاری از انحرافات آنها جلوگیری کند. جامعه پذیری یا اجتماعی شدن از اولین مباحث مطرح در علوم اجتماعی است. در تئوری های جامعه پذیری اولین و مهمترین عامل خانواده است. خانواده نخستین پایگاهی است که پیوند بین فرد و محیط اطراف او را به وجود می آورد. کودک در خانواده از لحاظ جسمی و ذهنی رشد می یابد، باورهای مربوط به شناخت خداوند، خود، هستی و اهداف زندگی را فرا می گیرد، هنجارها و مهارت های رفتاری، نگرش ها، اخلاق و شاکله فردی و اجتماعی اش شکل گرفته و به عبارتی اجتماعی می شود. گروه همسالان و مدرسه دیگر نهاد اجتماعی است که حیطة باور، عواطف و عملکرد فرد از آن تأثیر می گیرد. افزون بر موارد یاد شده، گسترش رو به تزاید تکنولوژی های ارتباطی و اطلاعاتی به عنوان عناصر مداخله گر مرزهای جامعه پذیری افراد را تغییر داده است. بررسی یافته ها نشان می دهد خانواده به دلیل فقدان حمایت و عدم نظارت اجتماعی زمینه شکل گیری انحراف جنسی را ایجاد کرده و در ادامه به دلیل نداشتن مهارت کافی نتوانسته است به خوبی آن را مدیریت کند. از طرف دیگر، فقدان دانش و نگرش صحیح نوجوان به مسائل جنسی نشان می دهد که آگاهی دختران نوجوان از مسائل جنسی پایین است و مداخله آموزشی از سوی والدین و مدارس میتواند این آگاهی و نگرش را بهبود بخشد. در واقع هرچند امروزه نسل نوجوان به دلیل مواجهه زود هنگام با مضامین جنسی بلوغ جنسی زود هنگام را تجربه میکند، به دلیل اینکه این اطلاعات اغلب نادرست و از منابع غیرموثق اند، مخرب و تحریک کننده اند

و به خود تحریکی منجر میشود. اگرچه انتظار میرود والدین و سایر بزرگسالان مورد اعتماد، مانند معلمان و مشاوران، منبع اطلاعات جنسی نوجوان باشند، نتایج نشان داد اکثر نوجوانان به همسالان و رسانه‌ها اتکا می‌کنند و اطلاعاتی که رد و بدل می‌شود اغلب غیرمعتبر و نادرست است. پیشنهاد میشود به منظور توسعه دانش جنسی خانواده از فرهنگسراها، نهادهای مذهبی و مدارس جهت آموزش جنسی خانواده‌ها کمک گرفت. بهره‌مندی از مشاوره‌های مذهبی خانواده، همچون پزشک خانواده، تا حد زیادی میتواند نوجوانان دختر را به سمت واقعیت‌های پیرامونی آگاه کند. توجه به تفریح و اوقات فراغت نوجوانان و افزایش کنترل‌های غیرمستقیم از یک سو و پذیرش هویت فردی می‌تواند کاهنده زمینه‌های نابهنجاری رفتار جنسی باشد. علاوه بر این، توجه به رفتارهای عاطفی در محیط خانواده از طریق ارتباطات کلامی، توجه بصری، تأکید بر جنبه‌های زیبایی‌شناختی دختران و همچنین زمان برای گفت‌وگوی مؤثر میتواند تخلیه‌کننده هیجانات دختران جوان باشد. این مطالعه تجربیات درخور توجهی از رفتارهای نابهنجار جنسی و پنهان دختران جوان را نشان میدهد. نتایج این پژوهش دانش درخور توجهی در زمینه عوامل اثرگذار و بسترهای رفتارهای جنسی بین دختران نوجوان را به دست داد. این نتایج میتواند برای آموزش خانواده مؤثر باشد؛ همچنین برنامه ریزان و پژوهشگران حوزه مطالعات زنان و همچنین برنامه ریزان فرهنگی و آموزشی میتوانند برای توسعه دانش نظری از آن استفاده کنند و زمینه پاسخگویی به نیازهای نوجوانان را برای کنترل رفتارهای نابهنجار جنسی توسعه دهند (فقیهی مقدس و همکاران، ۱۳۹۰).

۴-۲- عوامل زمینه ساز تربیت جنسی:

تربیت جنسی به برنامه‌ها و سیاست‌های آموزشی اشاره دارد که به افراد در سنین کودکی و نوجوانی آموزش‌هایی در خصوص اندام جنسی، عملکرد اندام‌های جنسی، شیوه‌های حفظ سلامت جنسی، پیشگیری از آزار جنسی، پیشگیری از بارداری ناخواسته و مواردی از این نوع که مربوط به سلامت جنسی است داده می‌شود (سازمان جهانی بهداشت، ۲۰۰۳). از دو اصطلاح *education sex* و *education sexuality comprehensive* در متون برای اشاره به تربیت جنسی استفاده میشود. اصطلاح اول منحصر به ارائه اطلاعات درباره اندام‌های جنسی و روش‌های حفظ سلامت جنسی است؛ درحالی‌که اصطلاح دوم شامل نگرشها، ارزشها، دانش و رفتارهای مرتبط با جنسیت میشود و در آن از روش‌های مختلف پیشگیری از بروز بیماریهای مقاربتی، پیشگیری از بارداری ناخواسته و موارد مربوط به عدالت و سلامت در رابطه جنسی نیز آموزش‌هایی داده می‌شود (آیزنبرگ، ۲۰۰۸). مسائل جنسی یکی از حوزه‌های مهم زندگی اجتماعی است و داشتن آگاهی در این خصوص و مجهزبودن به مهارتهای جنسی متناسب با هر دوره سنی، میتواند نقش موثری در سلامتی فرد و جامعه داشته باشد. تربیت جنسی یکی از مفاهیم مرتبط با مسائل جنسی است که در کشور ایران به نظر تا حدود زیادی مغفول مانده است، این در حالی است که صدمات ناشی از این بی‌توجهی خسارت‌های مالی و جانی و روانی زیادی را بر افراد جامعه وارد کرده است. از این روی یکی از وظایف آموزش و پرورش، وزارت بهداشت و نهادهای اجتماعی که در تامین سلامتی عمومی مردم نقشی را بر عهده دارند، اتخاذ سیاست‌گذاری و اجرای برنامه‌های آموزشی با اولویت پیشگیری از آسیب‌ها و سپس توانبخشی افراد در حوزه سلامت جنسی است. وضعیت تربیت جنسی در کشور ایران نامشخص است. سیاست مدونی در این باره به صورت آشکار وجود ندارد و اختلاف نظر بین نهادهای دولتی و مراکز

دینی در این باره وجود دارد و این در حالی است که آمارهای مرتبط با آزرديدگی جنسی در کودکان و نوجوانان بالا است و همین طور سن شروع روابط جنسی پایینتر آمده است (رزاقی و همکاران، ۱۳۹۴). در ایران سه نگاه به تربیت جنسی وجود دارد، گروهی که مخالف این نوع آموزش ها هستند و معتقدند این نوع مسائل از جنس غریزی است و خود به خود آموخته میشود، گروهی که معتقدند این آموزشها فقط در موارد خاصی لازم است و نباید آموزش به صورتی باشد که نافی حیا و شرم در خانواده ها و مدارس شود و گروهی که آموزش دقیق همه عناصر برنامه های تربیت جنسی را برای حفظ سلامت کودکان و نوجوانان لازم می دانند. یکی از راه هایی که میتواند ما را در اتخاذ تصمیم درست درباره تعیین یک برنامه تربیت جنسی کارآمد یاری دهد، مرور یافته های مطالعات پیشین است. با توجه به این که مطالعات زیادی در حوزه مرور نظامند و فراتحلیل در این حوزه انجام شده است اما مطالعات درباره تربیت جنسی در ایران اندک بوده است. در پژوهش خانی پور و همکاران (۱۴۰۰) از روش مرور نظامند برای بررسی مطالعات مرتبط با تربیت جنسی استفاده شده است که خلاصه ای از نتایج آنها ارائه می شود؛

به صورت کلی در یک جمع بندی از ادبیات پژوهشی میتوان این طور گفت که برنامه های تربیت جنسی به شیوه های مختلفی شامل **برنامه های مدرسه محور، خانواده محور و روشهای مبتنی بر ارتقای سلامتی عمومی** در سراسر دنیا روی کودکان و نوجوانان اجرا میشود و نتایج مطالعات فراتحلیل در این زمینه نشان میدهد این روشها هیچ تاثیر منفی روی سلامت جنسی ندارند ولی تاثیر مثبت آنها روی سلامت جنسی به اندازه درمان های دارای شواهد تجربی بالا نیست و بیشتر این پژوهش های فراتحلیل بیشتر روی جنبه های روش شناختی گزارش های پژوهشی متمرکز شده اند. یکی از حوزه هایی که در این برنامه ها کمتر به آن توجه شده است تاثیر فرهنگ بعنوان یک عامل تعدیل کننده بسیار مهم در اثربخشی برنامه های آموزش جنسی است که تقریباً در اغلب مطالعات فراتحلیل مورد توجه قرار نگرفته است. دومین کاستی که در این مطالعات فراتحلیل مشاهده میشود فقدان پابندی به نظریه مرکزی است که روش های درمانی از آنها ریشه گرفته باشد. سومین کاستی این نوع مطالعات فراتحلیل این است که به شاخص های واقعی تغییر در رفتار کمتر پرداخته شده است و تاثیر آموزش ها در سطوح نگرش و دانش محدود شده است. مرور نظامند مطالعه حاضر در خصوص چهار سوال پژوهش این نتایج را به دست داد: ۱- بیشتر مطالعات تربیت جنسی در ده سال اخیر به جای رویکرد صرفاً پرهیز به رویکرد آموزش جامع جنسی با جهت گیری کاهش خطر تغییر کرده است. ۲- برنامه های تربیت جنسی اغلب دارای جهت گیری رفتاری و شناختی هستند. ۳- مهمترین هدف برنامه های تربیت جنسی اولاً کاهش احتمال و شرایط مسبب کودک آزاری جنسی و ثانیاً کاهش خطر رفتارهای پرخطر جنسی از طریق آموزش روشهای مبتنی بر پیشگیری از بیماریها و اختلالات جنسی است. ۴- برنامه های تربیت جنسی روی کاهش رفتارهای پرخطر جنسی و محافظت جنسی از سلامت جنسی کودکان و نوجوانان موثر است. ۵- اغلب برنامه های تربیت جنسی در کشورهای در حال توسعه توأم با درگیرساختن و مشارکت خانواده ها است. ارزیابی برنامه های مختلف تربیت جنسی که تاثیرگذاری بالایی را روی سلامت جنسی نشان داده بودند دارای یک سری از ویژگیها بودند که از این قرارند (دایراه المعارف علوم اجتماعی/تربیت جنسی، ۲۰۱۸):

۱. برنامه متمرکز بر حداقل یک رفتار یا بیش از یک نوع رفتار جنسی مرتبط با بروز حاملگی ناخواسته یا ابتلا به عفونت HIV یا بیماری مقاربتی واگیردار بودند.
 ۲. از نظریه های یادگیری اجتماعی بعنوان مبنای یادگیری و آموزش استفاده کرده اند و این نظریه ها از نوع نظریه های یادگیری اجتماعی بودند که در سایر برنامه های ارتقای سلامتی به شکل موفقیت آمیزی به کار گرفته شده بود.
 ۳. شفاف و روشن بودن پیامهای درمانی.
 ۴. اطلاعات صحیح پایه ای در زمینه عوامل خطر برقراری روابط جنسی محافظت نشده ارائه میگردند و راه های روشنی را برای دوری گزینی از روابط جنسی محافظت نشده ارائه میگردند.
 ۵. شامل فعالیتها و تکالیفی برای غلبه بر فشارهای اجتماعی در زمینه انجام رفتارهای جنسی متمرکز بودند.
 ۶. الگوها، و مهارت های لازم برای برقراری ارتباط، مذاکره و مهارت های رد کردن تقاضاهای نامتعارف را آموزش میدادند.
 ۷. از انواع روشهای آموزشی برای افزایش مشارکت دانش آموزان استفاده میگردند و همینطور روش ارائه اطلاعات به صورتی بود که افراد میتوانند اطلاعات را برای مشکلات شخصی خودشان استفاده کنند.
 ۸. در برنامه ها اطلاعات مرتبط با جنسیت، تجربه جنسی و فرهنگ دانش آموزان نیز در برنامه گنجانده شده بود.
- معمولاً در اغلب برنامه های جامع آموزش جنسی از یک رویکرد اجتماعی- شناختی برای تدوین برنامه ها استفاده شده و پس از تحلیل عوامل مختلف اجتماعی و فرهنگی موثر بر آموزش جنسی، این برنامه های آموزشی تهیه میشوند. یکی از مشکلاتی که در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران در خصوص آموزش های مرتبط با مسائل جنسی وجود دارد عدم مشارکت والدین و یا مخالفت آنها با این نوع آموزش هاست (خانی پور و همکاران، ۱۴۰۰).
- در نتیجه برای تدوین یک برنامه جامع آموزش جنسی به زعم بسیاری از این پژوهش ها نیاز به اتخاذ یک چهارچوب نظری معتبر متناسب با وضعیت موجود است. برخی از محققان مانند کربی و همکاران (۲۰۱۱) در این راستا اهداف کلی تدوین یک برنامه آموزش جنسی را بدین ترتیب مشخص کردهاند: ۱- شناسایی اهداف روشن در حوزه سلامت جنسی (رای مثال کاهش حاملگی در دوره نوجوانی، کاهش ابتلا به اچ آی وی و سایر بیماریهای واگیردار جنسی).
- ۲- گزینش رفتارهای جنسی که ارتباط مستقیمی با هدف سلامت جنسی دارند (برای مثال ایجاد تاخیر و وقفه در شروع زود هنگام روابط جنسی، افزایش استفاده از کاندوم، کاهش تعداد شرکای جنسی). شناسایی و گزینش عوامل روانی-اجتماعی موثر بر این رفتارها. توسعه و ایجاد فرصتهای یادگیری برای تغییر دادن اینگونه عوامل روانی اجتماعی.
- در یک ارزیابی انتقادی از این برنامه ها دو مسئله برجسته قابل اشاره است. اول اینکه صرف داشتن دانش اطلاعات مربوط به امور جنسی تضمین کننده اتخاذ تصمیم های درست در حوزه امور جنسی نیست و همینطور تسهیل دسترسی به وسایل پیشگیری از بارداری اعم از کاندوم نمیتواند شرط لازم برای کاهش نرخ حاملگی در دوره نوجوانی یا افزایش

استفاده از این نوع وسایل باشد. آموزش های جامع جنسی و کیفیت شیوه اجرای این برنامه ها، قطعاً بدون توجه به ملاحظات فرهنگی و جامعه محور چندان موثر نخواهد بود (سالویا، ۲۰۰۱، جونز، جنسن، سلزر کینگ، ۲۰۱۴). به عنوان مثال یافته های یک مطالعه فراتحلیل نشان میدهد هر چقدر برنامه های آموزش جنسی براساس ویژگیهای یک موقعیت و منطقه خاص و براساس شرایط فرهنگی افراد مشخص در یک منطقه تدوین شود، اثر بخشی آن بیشتر است (سالویا، ۲۰۰۱). براساس مباحث مطرح شده به نظر میرسد اگر یک برنامه تربیت جنسی بخواهد موثر باشد، نمیتواند صرفاً متمرکز بر سلامت جنسی باشد و هدف آن نباید فقط پیشگیری در بُعد رفتاری باشد و تحقق اخلاق جنسی و توسعه اخلاقیات رشد یافته تر در حوزه امور جنسی و تغییر نگرش بنیادی کودکان و نوجوانان را در خصوص پدیده های جنسی در قالب های بازاری شدن امور جنسی، رسانه های جنسی و انحرافات اجتماعی مربوط به امور جنسی، را جزو اهداف خود در نظر بگیرد. تحقق این هدف در هر کشوری خاص فرهنگ آن کشور است. تربیت جنسی اخلاقی در فرهنگ آمریکایی و اروپایی در جهت توسعه اخلاق جمع گرایانه و نوع دوستی بیشتر نسبت به یکدیگر در امور جنسی به پیش میرود و ممکن است در آینده حوزه های دیگری مانند تربیت جنسی و مباحث دینی را که سازگار با نیازهای بشر باشد نیز در بر بگیرد، بر همین اساس یک برنامه تربیت جنسی در ایران نیز میتواند همین مسیر را دنبال کند و ملهم از آرای حاکم بر فرهنگ باشد. مهمترین عاملی که به نظر میرسد باید در ساخت برنامه تربیت جنسی اخلاقی مدنظر قرار بگیرد، برقراری پیوندی واقعی بین اخلاق، سلامت جنسی و تربیت باشد. پیشنهاد میشود برنامه های تربیت جنسی براساس یافته های این مطالعه برای اجرا در ایران مورد استفاده قرار گیرد و از روش های کمی و کیفی برای بررسی اثربخشی این برنامه ها استفاده شود (خانی پور و همکاران، ۱۴۰۰).

باید بدانیم تربیت جنسی با آموزش جنسی تفاوت دارد. آموزش جنسی شرح جزئیات روابط و مراحل جنسی است اما آنچه در تربیت جنسی مطرح است، ارائه مجموعه اطلاعات جسمانی، روانی، اجتماعی و دینی در مورد مسائل جنسی یا در اختیار گذاشتن اطلاعات لازم در مورد مسائلی است که با غریزه جنسی کودک و نوجوان مرتبط است و آموزش آن از سالهای اول زندگی کودک و نوجوان شروع میشود. در این سالها باید مسائلی به کودک و نوجوان آموزش داده شود که ممکن است ارتباطی با آموزش جنسی نداشته باشد، اما بعدها همین موارد در روابط و تعاملات جنسی به او کمک خواهد کرد. کرکندال اعتقاد دارد که تربیت جنسی موضوعی فراتر از آگاه کردن کودکان پیرامون تولید مثل و رابطه جنسی زن و مرد است طرز رفتار کودک، الگو بودن بزرگسالان و رفتاری که در زندگی خانوادگی مرسوم است، نقش عمده ای در تربیت جنسی ایفا میکند. تربیت جنسی، احساسات جنسی و خصوصیات مربوط به رشد شخصیت اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی را در بر می گیرد.

۴-۲-۱- روابط میان فردی با والدین؛

تربیت جنسی کودکان در بستر خانواده و محیط مدرسه همواره مورد توجه و بحث بوده است. آموزش جنسی مسئله ای پیچیده در فرهنگ هر جامعه ای است. نقش مدرسه و معلم در آموزش و توسعه سلامت جنسی در جوامع محافظه کار کم رنگ می باشد. مشکل جدی در این میان این است که پدر و مادرها نیز در بحث های مربوط به رفتار جنسی با فرزندان

احساس خجالت می‌کنند، توضیح دادن در این مورد برای‌شان ناراحت کننده است و دانش و مهارت لازم برای انجام این کار را ندارند (مرقاتی خویی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱؛ برک، ۱۳۹۳).

تربیتی و همکاران (۱۳۹۸) تربیت جنسی نوجوانان شهر تهران و عوامل زمینه ساز آن را با تاکید بر روابط میان فردی با والدین را مورد مطالعه قرار دادند. آنها با انجام مصاحبه عمیق با ۳۰ والد نوجوان ۱۳ تا ۱۵ سال دختر و پسر دوره متوسطه شهر تهران با مقولات زیر روبرو بودند:

عوامل خانوادگی: وجود ارتباط عاطفی در بین اعضای خانواده، آگاهی از مسائل دینی در خانواده در رابطه با مسائل جنسی، آگاهی والدین از مسائل جنسی و اثرات جسمی و روحی آن، ارائه رفتارهای مناسب در خانواده از سوی والدین، وجود یک سری مهارت‌های ارتباطی در والدین برای ارتباط بهتر با فرزندان.

عوامل مربوط به آموزش و مدرسه: نظارت مدارس بر فعالیت‌های کودکان و نوجوانان در مدرسه و همکاری با والدین در این زمینه، تربیت جنسی در قالب آموزش مدارس.

عوامل اجتماعی: آموزش والدین و اجتماعی کردن و انتقال درست هنجارها و ارزش‌های جنسیتی به فرزندان.

مقوله هسته‌ای به دست آمده به عنوان آخرین و انتزاعی‌ترین مفهوم در این تحقیق آگاهی والدین است. این مقوله نشان می‌دهد که آگاهی به عنوان حلقه گمشده در مباحث تربیتی به خصوص در امور حساسی مانند امور جنسی می‌تواند نقش پر رنگی را ایفا نماید. در حقیقت، آگاهی خود به عنوان یک فرایند که از عوامل متعدد دیگری تاثیر می‌پذیرد می‌تواند نقش اساسی را در تغییر نگرش والدین ایفا نماید. تغییر نگرش نیز به نوبه خود تغییر در رفتار را به دنبال خواهد داشت. در زمینه مسائل جنسی نیز و امور مربوط به آن نظیر تربیت و انتقال درست هنجارها، وجود آگاهی شرط است. البته باید توجه داشت که این فرایند با توجه به ترکیبی بودن آن مسیری دشوار است که دخالت نهادهای مختلف را می‌طلبد. امروزه آگاهی از طرق مختلف مثل رسانه‌ها، یافته‌های آکادمیک، تحصیلات و ... به والدین و حتی کودکان منتقل می‌شود و در آن‌ها ایجاد می‌شود. ولی صرف آگاهی هیچ وقت منتهی به تغییر رفتار و تغییر شیوه‌های تربیتی نخواهد شد. حلقه واسطه‌ای اثرگذار بین آگاهی و رفتار، تغییر نگرش افراد نسبت به مسائلی است که در مورد آن‌ها آگاهی به افراد منتقل می‌شود. آگاهی به تنهایی باعث تغییر رفتار فرد نمی‌شود و در این میان یک سری از عوامل دیگر دخیل هستند. به عبارت دیگر، آگاهی افراد از یک موضوع اجتماعی یا برجسته‌سازی آن موضوع، اولین اقدام برای ایجاد تغییر در آن موضوع اجتماعی است. به این ترتیب که آگاهی اولین شرط برای تغییر نگرش افراد در مورد مسائل مختلف محسوب می‌شود. تغییر نگرش با افزایش یا ایجاد آگاهی در افراد، سرانجام آن‌ها را در به کارگیری، تصمیم‌گیری به آغاز عمل سوق می‌دهد (سورین و تانکارد، ۱۳۸۴: ۲۳۸).

می‌توان گفت اولین مرحله تاثیرگذار بر رفتار، زیست بوم است. زیست بوم به محل زندگی افراد یا یک گروه اجتماعی اطلاق می‌شود که بالطبع هر زیست بومی دارای یک سری شرایط و امکاناتی است که این شرایط و امکانات، پارادایم غالب اجتماعی آن جامعه و جهت‌گیری‌های ارزشی آن جامعه را در مورد موضوعات مختلف تعیین می‌کنند. این پارادایم غالب

اجتماعی که در بر گیرنده باورها و عقاید بنیادین هر گروه اجتماعی یا یک جامعه است در حقیقت تشکیل دهنده بخش معنوی فرهنگ آن جامعه است که این فرهنگ باید از طریق جامعه‌پذیری درست و فرایند اجتماعی شدن به نسل‌های بعدی منتقل بشوند. در طول فرایند اجتماعی شدن شخصیت یا هویت افراد، از همان دوران کودکی شکل می‌گیرد و این هویت و شخصیت افراد است که به آن‌ها می‌گویند در جامعه چگونه رفتار کنند. نکته مهمی که در این جا باید به آن توجه کرد بخش جامعه‌پذیری و بخش زیست بوم است که برای ما شرایط و امکانات موجود محل زندگی را مشخص می‌کند. باتوجه به این که ما در یک جامعه دینی زندگی می‌کنیم و نحوه گفتار و کردار ما بیشتر تحت تاثیر نهاد دین است، متعاقب آن ارزش‌ها و هنجارهای جامعه ما هم از آن تاثیر می‌پذیرد و بر پارادایم غالب اجتماعی ما که در حقیقت چراغ و روشنایی ما در تاریکی محسوب می‌شوند، اثر خواهد گذاشت. لذا شناخت و آگاهی افراد جامعه و به خصوص والدین از این ارزش‌ها (شناخت ارزش‌های درست و غلط) و کاربرد و ترویج صحیح آن‌ها و انتقال درست آن‌ها از طریق فرایند اجتماعی شدن می‌تواند به ما در شکل‌دهی درست هویت جنسی کودکان کمک بکند. آگاهی والدین با ارزش‌ها و بخش معنوی فرهنگ و توجه به بخش مادی فرهنگ می‌تواند نگرش آن‌ها را در زمینه موضوعات مختلف مانند مسائل جنسی کودکان در خانواده را تحت تاثیر قرار بدهد و این امر به تغییر رفتار آن‌ها و تغییر برخورد آن‌ها با مسائل جنسی بشود. برای مثال مقوله حساسیت‌زدایی از مسائل جنسی به عنوان یکی از مقوله‌های مهم به صورت غیر مستقیم بر نقش آگاهی و تقویت دانش فرد در زمینه به روز بودن والدین و آگاهی آن‌ها از هنجارهای جنسی جامعه تاکید دارد. در این مقوله پیامی، مبنی بر آمیخته شدن خرافات و یا فهم نادرست ارزش‌ها از سوی افراد نهفته است که باید از طریق دادن آگاهی و افزایش آن در بین والدین، برخی از ارزش‌های نادرست یا کژکارکرد را تصحیح یا حذف کرد و بر اساس مقتضیات جامعه عمل نمود (تربتی و همکاران، ۱۳۹۸).

همچنین نتایج مطالعه حسینی و همکاران (۱۳۹۹) مشخص کرد که کاربرد راهبردهای مناسب تربیتی تاثیر معنا داری بر تربیت جنسی نوجوانان دارد. هر چه روش‌های به کار برده شده در طرح این گونه مسائل از پشتوانه علمی و تجربی قویتری برخوردار باشد، میزان دسترسی به موفقیت در تربیت جنسی بیشتر خواهد بود. فقدان آگاهی از چگونگی ارائه مفاهیم جنسی، عدم احساس راحتی در طرح این مسئله، ترس از شکستگی حریم‌ها و عدم آگاهی از زمان مناسب برای ارائه آموزش‌های جنسی را از چالش‌های مربوط به روش‌های تربیت جنسی معرفی کردند. بهره بردن از روش‌های مناسب در تربیت جنسی به ویژه در پاسخ به کنجکاوی‌های جنسی کودک و نوجوان نه تنها باعث فعالیت جنسی زود هنگام او نمی‌شود، بلکه در به تعویق انداختن آن نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. کودکان در صورتی که برای سوالات کنجکاوانه خود با روش‌های درست و منطقی قانع نشوند، برای یافتن جواب به راه‌های دیگری از جمله اینترنت، ماهواره، شبکه‌های مجازی و به خصوص گروه همسالان روی می‌آورند، که این مسیرها نه تنها پاسخ درستی را در برابر کنجکاوی‌هایشان قرار نمی‌دهد، بلکه ممکن است سبب انحراف آن‌ها و ایجاد مشکل برای خود فرد و جامعه شود. نتایج نشان داد از بین متغیرهای موثر بر تربیت جنسی، روش‌های تربیت جنسی، عوامل خانوادگی و ویژگی‌های شخصیتی افراد، از بیشترین قدرت پیش‌بینی‌کنندگی برخوردار بودند.

۴-۲-۲- تماشای تلویزیون های ماهواره ای فارسی زبان؛

با ایجاد امکانات و گسترش گیرنده های شبکه های تلویزیونی ماهواره ای در شهریور ماه ۱۳۷۰ (دانش، ۱۳۸۵) در ایران و استفاده روز افزون مردم از آن رسانه، فضای فرهنگی جامعه دچار تغییر شدیدی شد. رسانه ای که فرهنگی غالباً متضاد با فرهنگ موجود را عرضه می کند. نوجوانان دختر و پسر چگونگی رفتار زنانه و مردانه را بیش تر از قهرمانان خود در رسانه می آموزند. آن ها رفتار به عنوان زن یا مرد مطلوب را از رفتارهای زنان و مردان (الگو قرار داده شده توسط خودشان) حاضر در سریال ها یا فیلم های پخش شده از طریق این رسانه فرا می گیرند.

رابطه استفاده از شبکه های ماهواره ای فارسی زبان با هویت جنسیتی دختران نوجوان توسط ربیعی و همکاران (۱۳۹۴) مورد بررسی قرار گرفت. در این پژوهش ۱۸۵ نفر از دختران مقطع دبیرستان اصفهان و جی، پرسشنامه محقق ساخته شامل مقیاس های هویت فردی، هویت جنسیتی، کلیشه های جنسیتی و نقش جنسیتی را پر کردند.

در این مطالعه به منظور توضیح تأثیر شبکه های ماهواره ای بر نگرش ها و ارزش ها، به طور عام، از نظریه رسانه ای «پرورش» و تأثیر این شبکه ها بر بساخت هویت، به طور خاص، از نظریه هویت جنکینز و نظریه «شناخت اجتماعی» آلبرت باندورا بهره گرفته شده است. طبق دیدگاه جامعه شناسان هویت جنسیتی فرد نیز مانند دیگر ابعاد هویتی فرد برساخته محیط پیرامون او است. افراد تحت تأثیر روابط خود با اطرافیان و محیط پیرامونی خود می آموزند که چگونه به جنسیت خود نگاه کنند. در بررسی های انجام شده پیرامون مقوله هویت، از اثر متغیرهای مختلفی بر آن صحبت شده است. متغیرهایی که گاه جنبه فردی و شخصی دارند و گاه در حوزه اجتماع مشاهده می شوند. با فراگیر شدن رسانه های تصویری و مدت زمانی که افراد وقت خود را صرف اینگونه رسانه ها می کنند، رسانه اگر مهم ترین عامل محیطی تأثیرگذار بر فرد نباشد، به یقین یکی از مهم ترین هاست.

در ایران امروز نوعی چندگانگی نگرشی به وجود آمده که به تقابل میان هویت های رسمی با هویت جدید و متکثر منجر شده است. در این بین تلویزیون های ماهواره ای به عنوان مروج نگاه جدید و مدرن به هویت مطرح شده اند. این تحقیق نشان داد تماشای تلویزیون های ماهواره ای، از طریق تغییر کلیشه های جنسیتی موجود در ذهن دختران نوجوان و همچنین تغییر نگرش آنها نسبت به تفکیک جنسیتی نقش ها، اثرگذار است که هر دو عامل بر تعریف فرد از خود و از جنسیت خود مؤثر هستند. به طور کلی بین داشتن ماهواره در منزل و هویت جنسیتی دختران نوجوان رابطه معناداری وجود دارد. بدین صورت که هر چه دختران نوجوان از برنامه های تلویزیون ماهواره ای بیشتر استفاده کنند، هویت جنسیتی آنها که متناسب با انتظارات جامعه آنها شکل گرفته است یا در حال شکل گیری است، دستخوش دگرگونی می شود و برخلاف باورها و انتظارات پیشین آنها مسیری متفاوت از گذشته را در پی می گیرد و آنها را از جامعه خود دور می کند. دختران نوجوان تحت تأثیر منابع مدرن هویت، دیگر نگاه سنتی به جنسیت زنانه خویش ندارند و در اغلب موارد پیرو تفکری هستند که زن را در حوزه عمومی و خصوصی برابر با مرد و درباره چگونگی تصمیم گیری درباره نوع رفتار، گفتار و پوشش مستقل از انتظارات جامعه می پندارد. به عبارت دقیق تر، آنها تحت تأثیر نوع نگاه رسانه های تصویری غیر بومی به جنسیت و هویت جنسیتی هستند. حرکت خلاف جهت برنامه های تلویزیون ماهواره ای با توجه به تأثیری که

بر تفسیرهای فرد از خود می گذارند، حس مبهمی از خود جنسیتی فرد ایجاد می کنند که اختلالاتی در فرآیند هویت یابی آنها و تنش های روانی و سردرگمی هایی برای آنها در پی دارد (ربیعی و همکاران، ۱۳۹۴).

۴-۲-۳- شیوه های تربیت جنسی از منظر اسلام:

تربیت جنسی در اسلام، شرح اعمال جنسی نیست، بلکه راهنمایی افراد در برخورد با این نیاز و گاهی حتی جنس مخالف و در مراحل بعد با همسر، ایجاد عشق و علاقه و محبت در زندگی زناشویی، برخورداری از سلامت جنسی، دوری از فسق و فجور، حفظ عفت و پاکدامنی، حفظ کرامت انسانی و التذاذ مفید و موثر سالم که نمودی از لذت های معنوی آخرت است می باشد.

نحوه تربیت جنسی کودکان و نوجوانان با رویکرد اسلامی به منظور پیشگیری از وقوع جرائم و انحرافات و ارائه شیوه های تربیت جنسی از منظر اسلام در مطالعه ای توسط قبادیان و همکاران (۱۳۹۶) مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس نتایج آنها، این گمان که کودکان به کلی عاری از انگیزه جنسی هستند و در این زمینه نیاز به تربیت یا مراقبت جدی ندارند، گمانی باطل است. کودکان از سالهای اولیه زندگی به صورت مبهم با این انگیزه درونی رو به رو هستند به طوری که میتوان جلوه های گوناگون آنها را در رفتار آنها مشاهده کرد. این انگیزه رفته رفته وضوح و شدت بیشتری می باید و در آستانه بلوغ، به مرحله ظهور کامل می رسد. نکته اساسی در این مورد این است که: چون کودک از نظر جسمی و روانی و رشد عقلی از آمادگی کافی برخوردار نیست، بیداری پیش از موقع این میل میتواند عوارض و خطرات جدی به دنبال داشته باشد و او را در معرض انحرافات گوناگون قرار دهد. کودکانی که زمینه ی انحرافات جنسی در آنها فراهم میشود در دوران بلوغ با مشکلات بیشتری رو به رو میشوند و چه بسا در سرایشی سقوط و تباهی قرار گیرند بنابراین از مهمترین شیوه های پیشگیری از رفتارهای ناپهناجر جنسی، تربیت صحیح جنسی در دوره های مختلف کودکی و نوجوانی است، که در زیر به اهم آنها پرداخته شده است.

شیوه های تربیت جنسی کودک و نوجوان:

۱- آموزش جنسیت و نقش جنسی و پرورش هویت جنسی: هویت جنسی کودک شامل، شناخت او از اعضاء مختلف بدنش، ادراک احساسات، هیجانات، ارزشها و خواسته های مرتبط با جنسیتش است. کودکان ۳-۴ ساله، اغلب از مقایسه ای بین پدر و مادرشان و خودشان با آنها انجام میدهند، درمی یابند که همه مثل هم نیستند و از جنبه های مختلفی با یکدیگر تفاوت دارند. برداشتهایی که کودکان از هویت جنسی خود دارند، متأثر از دیدگاه ها و نگرش های پدر و مادر، اعضاء خانواده، مربیان و سایر افراد جامعه شان است. در شکل دهی به هویت جنسی کودکان، بر والدین لازم است که بینش و عملکردشان، از این امر حکایت کند که هیچ جنسیتی بر دیگری برتری ندارد و هر دوی آنها ارزشمندند و هر یک برای تکامل و پیشرفت به دیگری نیازمند است، آنها باید از تبعیض جنسیتی بین دختر و پسر خودداری کنند، باید احساس ارزشمندی جنسیتی را به آنها منتقل کنند تا کودکان بتوانند به راحتی و بدون آرزوی داشتن جنسیتی مخالف، به هویت جنسی خودشان دست یابند و

بتوانند در آینده زنان و مردان کامل و با اعتماد به نفس باشند و نقش پدری و مادری خود را به خوبی ایفا کنند.

۲- پیشگیری از زمینه های تحریک جنسی از جمله؛ خودداری از انجام دادن عمل جنسی در برابر فرزندان، اجازه گرفتن فرزندان برای ورود به اتاق والدین، خودداری از لُخت شدن در برابر کودکان یا لُخت کردن آنها و ... (قبادیان و همکاران، ۱۳۹۶).

۴-۲-۴- عوامل اجتماعی موثر بر اختلال هویت جنسی؛

بیانی و همکاران (۱۳۹۰) عوامل اجتماعی موثر بر شدت اختلال هویت جنسی را در پیمایشی با ۱۶۰ نفر از افراد دارای اختلال هویت جنسی ۱۸ تا ۴۱ ساله بررسی کردند. اختلال های جنسی را می توان به اختلال هویت جنسی، اختلال در جهت گیری جنسی و اختلال در علایق جنسی تقسیم کرد. مهم ترین نوع اختلال هویت جنسی، دگر جنس باوری است که ویژگی شاخص آن تمایل شدید به اتخاذ هویت جنس مخالف است بدون توجه به امتیازهای فرهنگی آن (روزننهان و سلیگمن ۱۹۵۵)، بر طبق آمار ۶ نفر در هر ۱۰۰ هزار نفر در دنیا مبتلا به اختلال هویت جنسی می باشند (گنجی، ۱۳۸۷). (۷: پزشکی قانونی کشور در گزارش خود اعلام کرده است که آمار رسمی افراد دارای اختلال هویت جنسی در ایران حدود ۴۵۰۰ نفر می باشد (سایت رسمی پزشکی قانونی کشور، ۱۳۸۷ ۲۰/۸).

بر اساس نتایج مطالعه بیانی و همکاران (۱۳۹۰) شدت اختلال هویت جنسی که حاصل ترکیب هر سه بعد عاطفی، ادراکی و رفتاری است ۴/۷۶ است که با توجه به دامنه پاسخها که از (۱-۵) است نشان میدهد شدت اختلال در میان پاسخ گوینان در سطح بالایی است و نتایج نشان می دهد بیشتر پاسخ گوینان شدت اختلالی بالاتر از میانگین داشته اند نتایج آزمون فرضیات نشان داد که: متغیرهای "احساس رضایت از کنش اجتماعی با همسالان همجنس" و "کسب تایید اجتماعی از سوی همسالان همجنس" رابطه معنی دار و معکوسی با اختلال هویت جنسی دارند و متغیرهای "اختلال در جامعه پذیری"، "اختلال در همانند سازی"، "میزان تاثیرپذیری از الگوی رفتاری غیرهمجنس" و "دریافت برچسب اجتماعی جنس مخالف از سوی دیگران" به صورت معنی دار و مستقیم با اختلال هویت جنسی در ارتباط اند. اختلال در جامعه پذیری متغیر دیگری است که در این تحقیق رابطه معنی دار و مثبتی با اختلال هویت جنسی دارد. به عبارتی هرچه میزان اختلال در جامعه پذیری بیشتر باشد احتمال اختلال هویت جنسی (عدم پذیرش هویت جنسی) افزایش می یابد. فرایند جامعه پذیری که نوعی انتقال فرهنگی است عموماً حالت دوگانه ی رسمی و غیر رسمی دارد. آنچه فرد از خانواده، دوستان و سایر افراد در محیط های غیر رسمی یاد می گیرد جامعه پذیری غیر رسمی است. در مقابل، هر وقت که موقعیت ساختارمند باشد فرآیند جامعه پذیری رسمی خواهد بود. میزان تاثیر پذیری رفتاری فرد از الگوی رفتاری غیر همجنس رابطه معنی دار و مستقیم آماری با اختلال هویت جنسی دارد، به بیانی دیگر می توان گفت هر چه تاثیرپذیری فرد از الگوی رفتاری غیرهمجنس بیشتر باشد احتمال بروز اختلال هویت جنسی افزایش مییابد. در این تحقیق نیز اگر فرد از سوی همسالان همجنس تایید اجتماعی، که یک نیاز بهنجار اجتماعی است، را دریافت نکند ممکن است برای تامین این نیاز وارد گروه همسالان غیرهمجنس شود و رفتارهای خود را با آنها هماهنگ کند و موجب یادگیری رفتارهای جنسیتی جنس مخالف شود و احتمال بروز

اختلال هویت جنسی را در فرد افزایش دهد. متغیر دریافت برچسب اجتماعی جنس مخالف از سوی دیگران رابطه معنی دار و مثبتی با اختلال هویت جنسی دارد. وقتی فرد از سوی دیگران برچسب شباهت رفتار به جنس مخالف را دریافت میکند میتواند زمینه ساز این مطلب باشد که رفته رفته ویژگی های رفتاری جنس مخالف در فرد نمود و رشد پیدا کند و حتی ارتباط اجتماعی خود با جنس مخالف را نیز بیشتر کند چون جایگاه و منزلت مورد نیاز خود را در این گروه بیشتر تامین میکند زیرا برچسبی که از دیگران دریافت کرده است با ویژگیهای این گروه بیشتر سازگاری دارد.

در جوامع مذهبی که ردپای مذهب در زندگی فردی و اجتماعی پررنگ به نظر میرسد با این واقعیت ارتباط دارد که افراد نسبت به داشته های خود بیشتر احساس رضایت دارند و کمتر این اتفاق رخ میدهد که نسبت به داشته های خود ابراز ناراضی کنند (بیانی و همکاران، ۱۳۹۰).

۴-۲-۵- رابطه سبک زندگی و تربیت جنسی؛

بامری و سالارزایی (۱۳۹۷) مطالعه ای را به منظور بررسی اثر سبک زندگی بر میزان بزه و تربیت جنسی نوجوانان شهر زاهدان انجام دادند. بر اساس نتایج آنها؛ در بین شاخص های مطرح شده، در شاخص های (آشنایی فرزندان با شیوه های کنترل و تعدیل گزینه جنسی، آشنایی فرزندان در جهت تأثیر دوست در سلامت یا سقوط اخلاق جنسی، آشنایی فرزندان در آگاهی از خطرات و امراض جنسی، آشنایی نوجوانان به مسائل دینی راجع به تعدیل جنسی برای نوجوانان قبل از ازدواج، آشنایی با شرایط همسر خوب از نظر اسلام، آشنایی مسائل شرعی در رابطه با بلوغ و تکلیف، آشنایی از آگاهی و خطرات و مفاسد بی بند و باری جنسی) بیشترین میانگین به دست آمده در بین دو گروه جنسی، دختران بالاترین میانگین ها را نسبت به پسران به خود اختصاص داده اند. نتایج گویای این است که دختران در جهت تربیت جنسی بیشتر از پسران آموزش کسب کردند.

تربیت صحیح زمینه تعالی انسان را فراهم می آورد و از انواع جرایم جنسی و غیرجرایم جنسی پیشگیری می کند سبک زندگی والدین در خانواده می تواند به نوعی در تربیت جنسی نوجوانان، به دلیل شرایط سنی و به دلیل وارد شدن در یک محیط بزرگتر می تواند تأثیرات مثبت و منفی را در پی داشته باشد. در مطالعه بامری و سالارزایی (۱۳۹۷) نتایج تجزیه و تحلیل نشان داد که در فرضیه اول، رابطه بین سبک زندگی و تربیت جنسی در بین نوجوانان شهر زاهدان، در بین شاخص های مطرح شده شاخص های الگوی فراغت با میانگین ۴/۳۲ و الگوی عام مصرف با میانگین ۳/۹۹، به ترتیب بالاترین و پایین ترین رتبه را به خود اختصاص داده اند. واقع در میان انبوه مشکلاتی که نوجوانان امروز با آن روبرو هستند، تربیت جنسی اهمیت ویژه ای دارد. باید پذیرفت که بسیاری از ناهنجاری های اجتماعی ناشی از طغیان تمایلات جنسی است که سبب بر هم خوردن نظم اجتماعی و به خطر افتادن سلامت جامعه می شود، همانطور که از نتایج می توان برداشت کرد، بین سبک زندگی و تربیت جنسی ارتباط مستقیم وجود دارد. نوجوانان چه دختر و چه پسر باید در زمینه روابط انسانی، هویت جنسی، رعایت مسائل بهداشتی، مهارت های زندگی، ارزش ها و خلاقیت های انسانی، بیان احساسات، نیازها و افزایش عزت نفس باید از طرف والدین توصیه های لازم را ببینند.

۴-۳- آموزش تربیت جنسی:

تربیت درست و به موقع و مستمر میتواند کودک را در جهت رشد جنسی سالم کمک کند و او را به مقام والای انسانی برساند. تربیت جنسی از انواع تربیت است که در کنار سایر ساخت های تربیت همچون تربیت اجتماعی، تربیت اخلاقی، تربیت سیاسی قابل طرح می باشد. طبق آخرین تعریف سازمان بهداشت جهانی (Organization Health)، تربیت جنسی عبارت است از کلیه اقداماتی که از دوران اولیه زندگی انسان در جهت رشد متعادل و مناسب غریزه جنسی صورت میگیرد و اهداف آن اطلاع رسانی جنسی، کمک به تکامل رفتارهای جنسی، کمک به اجرای وظائف جنسی، تداوم و بقای نسل و رسیدن به آرامش است. با آموزش تربیت جنسی به طور صحیح سازه های بهداشت روانی در جهت رشد سالم جنسی تشکیل خواهد شد. با توجه به اینکه رشد جنسی هم مانند سایر مراحل رشد باید درست و به موقع انجام پذیرد تا کودک از یک نگرش سالم جنسی برخوردار شود اگر از تربیت جنسی فرزندانمان غافل شویم از جریان های اطلاعاتی آلوده استفاده میکنند و در نتیجه سلامت جنسی آنها به خطر میافتد (Ehrhardt & Sandfort, ۲۰۰۰).

چنانچه تربیت جنسی مورد غفلت قرار بگیرد، احتمالاً هویت جنسی کودک دچار مشکل میشود و شاهد اختلالهای شایع جنسی در میان فرزندانمان میباشیم. در نتیجه ذهنیت فرد از جنسیت خویش با اندام جنسی زمان تولدش متفاوت میشود و از آنجاییکه سلامت جنسی یکی از ارکان سلامت روانی افراد میباشد در صورت بروز اختلال، دیگر جنبه های حیات روانی و ارتباطی را نیز تحت تأثیر قرار میدهد و آنها را دچار مشکل میکند. کنجکاوی ها و سؤالهای جنسی خواه ناخواه در ذهن کودکان ایجاد میشود و ناآگاهی و ناتوانی در پاسخ به سؤالات کودکان باعث میشود تا آنها در زمینه مسائل جنسی دچار سردرگمی شوند. لذا تربیت جنسی شیوه پیشگیرانه ای است که برای ایمن نگهداشتن کودک مطرح میشود (به نقل از یزدانی و سهرابی، ۱۳۹۷).

در همین راستا در مطالعه ای (روح پرور و همکاران، ۱۳۹۸) به بررسی و تبیین تجارب و ادراکات والدین از چالش های تربیت جنسی پسران نوجوان پرداختند. چراکه در جوامع مختلف، سلامت جنسی پسران کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ که این امر ممکن است به دلیل ریشه های فرهنگی جوامع نسبت به پسران نوجوان باشد. در آموزه های اسلامی به صورت مستقیم و غیرمستقیم به مسائل جنسی و تعدیل آن اشاره شده است؛ بنابراین می توان نتیجه گرفت، تربیت جنسی در اسلام از ضروریات می باشد. نتایج زیر از مصاحبه های نیمه ساختاریافته فردی و بحث گروهی متمرکز با ۲۵ نفر از والدین نوجوانان پسر ۱۰-۱۹ سال ساکن شهر اهواز بدست آمد:

۱. سردرگمی و بلاتکلیفی والدین:

اظهارات والدین حاکی از سردرگمی و بلاتکلیفی میان عدم مهارت در تربیت جنسی، سایه بلند باورهای مذهبی و در عین حال شکست راهکارهای به کار گرفته شده توسط آنها بود.

۲. تضاد در دیدگاه ها و راهکارهای تربیتی والدین:

ارزش ها و فرهنگ های متفاوت، دیدگاه های تربیتی متفاوتی در رابطه با تربیت جنسی مطرح می کنند. باورهای اخلاقی ناهمگون و گاهی متناقض مشارکت کنندگان در رابطه با تربیت جنسی نیز بر پیچیدگی موضوع می افزاید. برخی تربیتی را می پذیرند که بازدارنده بوده و خویشتن داری را بیاموزد؛ و برخی دیگر رفتارهای جنسی را طبیعی و حتی سودمند دانسته و با این تصویر ذهنی به تربیت جنسی پسران خود می پردازند. این اختلاف نظر منجر به برخوردهای متفاوتی از جانب هر کدام از والدین با نوجوان می شود؛ و حتی گاهی منجر به مخفی کاری رفتار نوجوان توسط یک والد از والد دیگر می گردد؛ و این خود مانعی در تربیت جنسی می باشد.

۴. تعدد و پیچیدگی منابع دریافت اطلاعات جنسی:

زندگی در عصر اطلاعات باعث آن شده که امکان و سرعت دستیابی نوجوانان به انواع داده ها و اطلاعات جنسی تسهیل و تسریع گردد. این قابلیت فنی و فناورانه در کنار خصلت جستجوگری و حس کنجکاوی پسران نوجوان، باعث می شود، بتوانند به آسانی انواع اطلاعات و تصاویر جنسی را بازیابی کنند. طبق نظر مشارکت کنندگان، ماهواره و اینترنت تأثیر زیادی در آموزش مسائل جنسی و ارضا حس جستجوگر نوجوان به صورت مخفیانه دارند. والدین تلفن همراه را ابزاری راحت و در دسترس پسر نوجوان خود می دانستند؛ که از طریق آن نوجوان می توانست به راحتی به اینترنت متصل شده و عکس یا فیلم سکسی مشاهده کند؛ و یا با جنس مخالف تماس برقرار نماید. به گفته والدین، پسرانشان بسیاری از اطلاعات خود را از طریق همسالان کسب کرده؛ و یا حتی مشکلات و سؤالات جنسی خود را با آنها در میان می گذارند و به دوستانشان اعتماد دارند. مشارکت کنندگان معتقدند، وجود مسیرهای متعدد دریافت اطلاعات، محدودسازی و نظارت به دسترسی اطلاعات جنسی را توسط والدین بسیار دشوار می سازد؛ بنابراین معتقدند تربیت جنسی محدود به والدین نمی باشد و به غیر قابل کنترل بودن روابط خارج از محیط خانواده نوجوان اشاره کردند.

۵. تابوهای فرهنگی:

شرم، حیا و ترس از شکستن حرمت بین والدین و فرزند مانعی دیگر در برقراری ارتباط و صحبت درباره مسائل جنسی توسط والدین با پسرانشان بود. آنان تردید داشتند که آیا صحبت در مورد مسائل جنسی حریم های بین آنها را از بین نخواهد برد.

۶. عدم درک ضرورت آموزش جنسی:

برخی از مشارکت کنندگان معتقد بودند نوجوانان امروزی در دریافت اطلاعات جنسی از آنان جلوتر می باشند؛ و خود به دنبال کسب اطلاعات در این زمینه هستند و آنچه را که والدین در این زمینه قصد آموزش دارند، می دانند. در نتیجه برخی از والدین در رابطه با اینکه آیا پسرشان نیاز به آموزش در زمینه مسائل جنسی دارد یا خیر، مردد بودند؛ و در صورتی که قبلاً آموزش هایی در این رابطه به پسر خود داده بودند، ضرورتی برای تکرار و تداوم آن نمی دیدند.

۷. نقش گم شده مدرسه در تربیت جنسی:

از موانع تربیتی دیگری که توسط برخی از مشارکت کنندگان به آن اشاره شد، فقدان طرح مدون آموزشی به منظور تربیت جنسی در مدارس بود. از نظر والدین، علاوه بر خانواده، نظارت در امر تربیت جنسی در مدارس اهمیت بسیاری دارد؛ اما سیستم آموزشی هیچ گونه مسئولیتی در این زمینه نمی پذیرد و تنها به محدود سازی شدید و در صورت بروز خطا، برخورد

شدید و قهرآمیز اکتفا می کنند. آنان جلسات اولیا و مربیان مدارس را غیر مفید خوانده و در نهایت بر این عقیده بودند، که اقدامات آموزش و پرورش پاسخگوی نیازهای آموزشی پسران نوجوان در رابطه با تربیت جنسی نمی باشد. نتایج مطالعه نشان داد، در چالش های پیش روی تربیت جنسی پسران نوجوان، کارشناسان و دست اندرکاران تربیتی باید با طراحی و اجرای برنامه هایی که بر اساس فرهنگ ایرانی - اسلامی باشد. در جهت حذف تابوهای اعتقادی در رابطه با تربیت جنسی فرزندان تلاش کنند همچنین، بالا بردن مهارت های ارتباطی و عزت نفس را در والدین ارتقاء بخشند (روح پرور و همکاران، ۱۳۹۸).

بر اساس نتایج مطالعه مجدپور و همکاران (۱۳۹۶)، ۲۹ درصد مادران شرکت کننده در مطالعه معتقد بودند که آموزش مسائل جنسی به دختران نوجوان باید توسط مادران آغاز شود و سپس توسط مربیان و معلمان در مدرسه ادامه یابد. اکثر مادران، با آموزش گسترده مسائل جنسی به دختران نوجوان مخالف بودند و دلیل اصلی آن را ترس از کنجکاوی و وسوسه شدن نوجوانان برای تجربه روابط جنسی عنوان نمودند. در کل، مادران مواردی مانند شرم و حیا و احساس خجالت، مسائل فرهنگی، تعصبات خانوادگی، نداشتن علم کافی درباره مسائل جنسی، ترس از گستاخ شدن دختران و وسوسه شدن برای تجربه روابط جنسی و مهم تر از همه نداشتن مهارت برقراری ارتباط مناسب با دختران را از دلایل عدم آموزش مسائل جنسی به دختران نوجوان می دانستند.

در بحث های گروهی این مطالعه، مادران اظهار می کردند که نمی توانند به راحتی با فرزندان خود ارتباط برقرار کنند و صحبت درباره مسائل جنسی با ایشان بسیار مشکل است. تقریباً تمام مادران شرکت کننده در بحث های گروهی از کنجکاوی شدن نوجوانان درباره مسائل جنسی و تمایل به تجربه روابط جنسی، پیرامون آموزش این مسائل ترس داشتند. در مطالعات داخلی و خارجی دیگر نیز به این موضوع اشاره شده است و نشان می دهد که این نگرانی مختص فرهنگ جامعه ما نمی باشد. اغلب شرکت کنندگان، آموزش مادران را لازم دانسته بودند و حدود نیمی از مادران آموزش مهارت های ارتباطی را نیز ضروری دانستند. دو نفر از مادران اظهار داشتند که این آموزش ها برای پدران نیز لازم است. همچنین بیشتر مادران معتقدند بهترین منبع برای آموزش مسائل جنسی به دختران نوجوان، مادران آموزش دیده می باشند، بنابراین با توجه به نتایج این مطالعه و مطالعات مشابه دیگر، آموزش خانواده ها بویژه مادران جهت کسب مهارت های ارتباطی لازم برای برقراری ارتباط مؤثر با فرزندان و همچنین آموزش علمی مسائل جنسی جهت انتقال اطلاعات صحیح به فرزندان، ضروری به نظر می رسد (مجدپور و همکاران، ۱۳۹۶).

مجدپور و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش دیگری به بررسی آموزش جنسی غیررسمی به دختران نوجوان از طریق توانمندسازی مادران آنها (با یک کارآزمایی میدانی) پرداختند. بر اساس مطالعه آنها؛ آموزش مسایل جنسی باعث می شود که افراد درباره این مسایل عمیق تر فکر کنند، در روابط بین فردی، حساس تر و آگاهتر عمل کرده و روابط جنسی منطقی تر و مسئولانه تری داشته باشند. این آموزش ها علاوه بر حوزه شناختی (اطلاعات و دانش)، به حوزه عاطفی (احساسات، ارزش ها و نگرش ها) و حوزه رفتاری (مهارت های ارتباطی و تصمیم گیری) نیز مربوط می شود (UNESCO ۲۰۰۹). نحوه آموزش مسایل جنسی در کشورهای مختلف با توجه به باورها و ارزش های جوامع، متفاوت است. عده ای حامی

ارایه این آموزش‌ها هستند در حالی که عده‌ای تنها رویکرد خویشتنداری را مدنظر قرار می‌دهند و با آموزش مسایل جنسی مخالف هستند. در دستورالعمل سازمان یونسکو برای آموزش مسایل جنسی به فرزندان توسط والدین و خانواده‌ها، محتوا و روش آموزشی ثابت و مشخصی پیشنهاد نشده است ولی والدین به برقراری ارتباط بازر، صادقانه تر و غیرتهدید آمیز با فرزندان خود تشویق می‌شوند (UNESCO ۲۰۰۹). در ایران نیز مانند بسیاری دیگر از جوامع دیگر، بزرگسالان در نقش والدین، افراد درگیر در برنامه ریزی و اجرای خدمات سلامت، و نیز تصمیم‌گیرندگان درباره اطلاعات و خدمات سلامت باروری برای نوجوانان، بر روی ماهیت و نوع اطلاعات و خدماتی را که نوجوانان دریافت می‌کنند، تأثیر می‌گذارند. بسیاری از مردم هنوز درباره ضرورت آموزش مسایل جنسی به نوجوانان قانع نشده‌اند و در نتیجه مانع از ارایه این نوع آموزش‌ها می‌شوند؛ بسیاری از آنان مهارت‌های لازم برای ارایه این آموزش‌ها را نیز ندارند (۱۹۹۹ Shadpour). معلمان و والدین می‌ترسند که آموزش مسایل جنسی به تجارب جنسی در نوجوانان منجر شود. بنابراین، وارد این حوزه نمی‌شوند و در نتیجه منبع اصلی دریافت اطلاعات مرتبط با مسایل جنسی، دوستان هستند و خانواده در رتبه ششم قرار می‌گیرد. مطالعات نشان داده است که عدم آموزش، نه تنها از روابط جنسی نوجوانان جلوگیری نکرده، بلکه باعث شکل‌گیری باورها و اطلاعات غلط می‌شود و در غیاب این آموزش‌ها، جوانان برای دریافت اطلاعات جنسی به نشریات و سایت‌های هرزه‌نگاری، و نیز برنامه‌های تلویزیونی تحریک‌کننده روی می‌آورند.

آگاهی و نگرش مادران دارای دختر نوجوان ۱۲ تا ۱۸ ساله ساکن شهر ماهشهر درباره مسایل جنسی بعد از مداخله، بیشتر بود. اما سطح مهارت برقراری ارتباط موثر و مهارت روابط بین فردی موثر مادران بعد از مداخله افزایشی نداشت. نتایج این پژوهش نشان داد که بیشتر مادران معتقدند بهترین منبع برای آموزش مسایل جنسی به دختران نوجوان، مادران آموزش دیده می‌باشند؛ بنابراین با توجه به نتایج این مطالعه و مطالعات مشابه دیگر، آموزش خانواده‌ها بویژه مادران جهت کسب مهارت‌های ارتباطی لازم برای برقراری ارتباط موثر با فرزندان و همچنین آموزش علمی مسایل جنسی جهت انتقال اطلاعات صحیح به فرزندان، ضروری به نظر می‌رسد. اجرای این آموزش‌ها برای والدین و اولیاء مدرسه باید منظم و پیوسته باشد تا نتایج مفید و سودمندی در پرورش نوجوانان داشته باشد (مجدپور و همکاران، ۱۳۹۶).

در مطالعه ای فلاوند و همکاران (۱۳۹۹) با استفاده از روش کیفی سنتز پژوهی به شناسایی برنامه درسی تربیت جنسی در نظام آموزشی کشور در طی سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۸ پرداختند. براساس نتایج آنها؛ تربیت جنسی نیز مانند دیگر شقوق تربیت، هنجاری و وابسته به ملاک‌ها، معیارها و ارزش‌های حاکم بر جامعه و مردم است. هدف نهایی تربیت جنسی همان هدف تعلیم و تربیت دینی یعنی قربت الی الله است. مفهوم برنامه درسی جنسی در جامعه ما متأثر از مبانی و اصول دین اسلام است. فراوانی تأکید بر مبانی اسلامی نشان از پررنگ کردن نگاه و ارزش‌های خاص جمهوری اسلامی دارد. به طوری که در پژوهش‌های مختلفی به طور تفصیلی زبان اسلام و مبانی تربیت جنسی که برگرفته از قرآن و روایات معصومین است ۱۰ مبانی اسلامی که شامل عاملیت محیط و شرایط، عاملیت انسان، اشتیاق به تداوم نسل تربیتی، حب ذاتی انسان به جنس مخالف، نیازمندی، کرامت، تفاوت ظرفیت‌های جنسی در انسان، واقع‌بینی، مبنای وجود مراحل مختلف رشد و تطور در آدمی و اندیشه ورزی به تفصیل در پژوهش‌ها توضیح داده شده است.

توجه سوگیرانه و در حاشیه بودن برنامه درسی تربیت جنسی در آموزش و پرورش ادعایی است که پژوهش های دیگر نیز آن را تایید می کنند. به نظر می آید نگاه متولیان آموزشی در نظام تربیت رسمی جامعه ما بیشتر معطوف به این است که متربی منحرف نشود و کمتر به این نکته توجه می شود که متربی فهم صحیحی از میل جنسی و جایگاه آن در زندگی پیدا کند. بحث تربیت جنسی در برنامه درسی می تواند فرصتی مناسب برای دانش آموزان فراهم نماید تا یک سری اطلاعات روان شناختی، جسمانی و دینی در مورد مسائل جنسی به دست آورند. ارائه این اطلاعات به دانش آموزان باعث غلبه بر اضطراب، نگرانی ها و احساسات نوجوان در مورد پرسیدن سوالات در مورد مسائل جنسی می شود. همچنین ایجاد این فرصت ها به منظور شکل گیری هویت دانش آموزان و درک درست از مفهوم خود، اجرای مناسب نقش جنسیتی در جامعه و خانواده موثر است. ولی بحث تربیت جنسی به صورت یک برنامه درسی خاموش است که از طریق متصدیان آموزشی به فراموشی سپرده شده است که این تهدیدی برای هدایت صحیح تربیت نوجوان که نظام آموزشی به دنبال آن است برای از بین بردن این تهدید نیازمند باز نگری و روشن کردن بحث تربیت جنسی در برنامه درسی و اسناد بالادستی است.

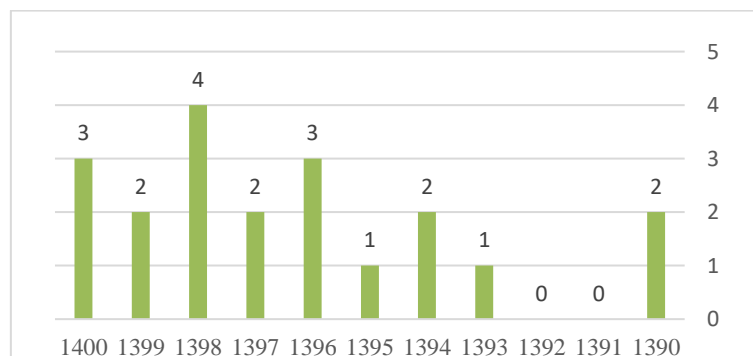
مهم ترین حاصل و پیشنهاد اجرایی پژوهش این است از آنجا که نتایج نشان داد در کشور ما مبانی و اصول تربیت جنسی که برگرفته از مکتب اسلام است مشخص هستند سازمان برنامه ریزی کتب درسی با بهره گیری از این مبانی و اصول، متناسب با سن دانش آموزان آموزش یا تربیت جنسی در قالب برنامه های آگاه سازی، آموزشی، پیشگیرانه و ... بگنجانند. همچنین تابو و خاموش فرض کردن بحث تربیت جنسی نه تنها مشکلی را حل نمی کند بلکه خود را در حکم برخوردی سطحی و پاک کردن صورت مسئله است که در نهایت به ایجاد بسیاری از ناهنجاری ها و انحرافات جنسی، اخلاقی و رفتاری در مدرسه و پس از آن در سطح جامعه شهری و ملی منجر می گردد. انحراف هایی که مقابله با آن، بخش کلانی از بودجه و منابع مالی دستگاه ها و سازمان های مرتبط؛ نظیر نیروی انتظامی، بهزیستی و نهاد قضایی و حقوقی را به هدر می دهد (فالوند و همکاران، ۱۳۹۹).

قدیریان پور و همکاران (۱۴۰۰) به بررسی جایگاه و نقش تربیت جنسی در دوره ابتدایی پرداختند. نتایج یافته ها از تحلیل محتوای کیفی کتابهای درسی با توجه به حجم آنها، که بالغ بر پنج هزار صفحه است، نشان دادند که به رغم اهمیت و ضرورت تربیت جنسی در دوره ابتدایی، پرداختن صرف به چند مؤلفه مهارتی تربیت جنسی در کتاب مطالعات اجتماعی پایه ششم حق مطلب ادا نمیشود. همچنین در کتابهای قرآن و هدیه های آسمانی، که میتواند در نگرش افراد تأثیری عمیق داشته باشند، فقر توجه به مؤلفه های نگرشی تربیت جنسی به چشم میخورد، درحالیکه برای ایجاد نگرش مثبت، درک ارزشهای وجودی، پیوند خلق با خالق و ارتباط آن با هویت جنسی، کتاب های قرآن و هدیه های آسمانی بهترین منبع خواهند بود. در کتابهای ریاضی، فارسی، نگارش و قرآن، جز در یک مورد، نیز به مؤلفه های تربیت جنسی اصلا پرداخته نشده است. این در حالی است که کتابهای درسی به علت آنکه بر نظام آموزشی ایران متمرکز است، یکی از ارکان مهم آموزش به شمار می رود و بی توجهی به مؤلفه های تربیت جنسی در آنها نشان دهنده بی توجهی نظام آموزشی به این مهم است؛ بنابراین، آنچه از یافته ها به دست آمده این است که وضعیت کتاب های درسی از حیث توجه به مؤلفه های تربیت جنسی مطلوب ارزیابی نمیشوند.

در بخش دوم، متخصصان در مصاحبه خود جایگاه و نقش تربیت جنسی را در دوره ابتدایی به سه مقوله مفهوم سازی، تربیت همه جانبه و تثبیت جایگاه مدرسه تقسیم کردند. در مقوله مفهوم سازی، جایگاه و نقش آموزشی و پرورشی تربیت جنسی در دوره ابتدایی با یکدیگر درهم آمیخته است، به صورتیکه یکی بدون دیگری معنا و مفهومی ندارد و فاقد ارزش است. از دیگر اهداف مهم در زندگانی کودکان دبستانی - با توجه به جوامع امروزی - جلوگیری از سوءاستفاده و آزار جنسی کودکان از طریق آگاه سازی آنان است. متخصصان برای رسیدن به اهداف تربیت جنسی در دوره ابتدایی، برای چارچوب آموزشی دو راهکار آموزش های رسمی و غیررسمی را پیشنهاد دادند. از نظر آنها این دو نوع آموزش مکمل یکدیگرند. در آموزش های رسمی، سه گام توانمندسازی خانواده، معلمان و دانش آموزان از ارکان اصلی به شمار می آیند. خانواده ها و معلمان باید آموزش های لازم را به منظور تربیت جنسی کودکان با برنامه ریزی تعیین شده ای کسب کنند و سپس با هدف توانمندسازی دانش آموزان به آن اقدام کنند (قدیریان پور و همکاران، ۱۴۰۰).

۵- نتیجه گیری:

در ۲۰ مطالعه ی مورد بررسی در این نوشتار، مبحث تربیت و هویت جنسی در جامعه آماری های نسبتاً متفاوتی مورد بررسی قرار گرفته بود. در ۶ مطالعه دانش آموزان و نوجوانان، والدین افراد دارای اختلال هویت جنسی، افراد دارای اختلال هویت جنسی مراجعه کننده به مرکز بهزیستی و متخصصان و کارشناسانی که در حوزه تربیت جنسی کودکان فعال اند هر کدام در یک مطالعه، نمونه ای از آنها مورد بررسی قرار گرفته است. در مجموع حجم نمونه ی مطالعات ۱۷۲۰ نفر (۲۴۰ نفر از والدین، ۱۲۹۵ نفر از نوجوانان و دانش آموزان، ۱۲ نفر از دبیران و مشاوران، ۱۶۰ نفر از افراد دارای اختلال هویت جنسی و ۱۳ نفر از متخصصان و کارشناسان تربیت جنسی) بود. همچنین، کوچکترین مطالعه بر روی ۱۲ نفر از معاونان پرورشی و دبیران دینی و بزرگترین مطالعه بر روی ۳۸۴ نفر از نوجوانان و دانش آموزان انجام شده است. در بین مطالعات مورد بررسی، ۴ مطالعه مربوط به بررسی کتابخانه ای بودند، ۴ مطالعه مربوط به استان تهران بودند؛ اصفهان، شیراز و یاسوج هر کدام ۲ مطالعه داشتند و شهرهای زاهدان، اهواز و تربت حیدریه هر کدام یک مطالعه داشتند. این مقالات در یک بازه زمانی ده ساله بین سال های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ به چاپ رسیده بودند. در این میان با توجه به نمودار زیر بیشترین مقالات با تعداد ۴ عدد مربوط به سال ۱۳۹۸ می باشد و پس از آن بیشترین مقالات در سال های ۱۳۹۶ و ۱۴۰۰ می باشد. در این بازه زمانی در سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ مقاله ای که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته باشد به چاپ نرسیده است.



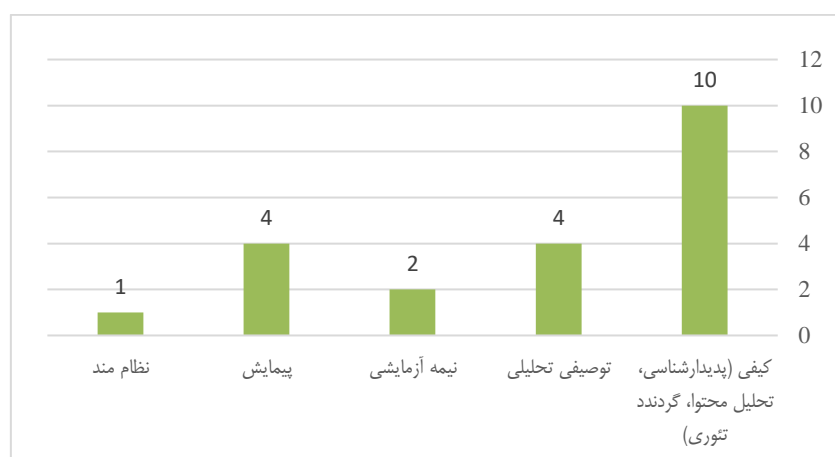
در مورد دانشگاه و تخصص نویسنده اول مطالعات، همانطور که در جدول ۱ مشاهده می شود دانشگاه های اصفهان، علوم پزشکی یاسوج، آزاد مرودشت و خوارزمی با ۲ مطالعه بیشترین مطالعه را در بین سایر دانشگاه ها داشته و بیشترین تخصص نویسنده اول مربوط به رشته جامعه شناسی و روانشناسی بوده است (جدول ۲).

دانشگاه	تخصص	تعداد	دانشگاه	تخصص	تعداد
دانشگاه اصفهان	۲	۱	مرکز تحقیقات ارتقا سلامت باروری	۱	دانشگاه کرمان
علوم پزشکی یاسوج	۲	۱	فرهنگیان	۱	دانشگاه الزهرا
آزاد مرودشت	۲	۱	آزاد آستارا	۱	تربیت حیدریه
خوارزمی	۲	۱	سیستات و بلوچستان	۱	

تخصص	تعداد	تخصص	تعداد	تخصص	تعداد
جامعه شناسی	۳	علوم ارتباطات	۱	روانپزشکی	۱
روانشناسی و مشاوره	۴	برنامه ریزی درسی	۲	معارف	۱
بهداشت و مامایی	۳	علوم تربیتی	۱	فلسفه تعلیم و تربیت	۱
نامشخص	۳				

بیشتر این پژوهش ها با استفاده از انواع روش های کیفی (پدیدارشناسی، تحلیل محتوا، گراند تئوری) صورت گرفته است. هر چند روش های توصیفی، تحلیلی، پیمایشی و مرور نظام مند نیز مورد استفاده و توجه قرار گرفته اند. در جدول ۳ روش های مورد استفاده ذکر شده است و نمودار آن ترسیم شده است.

روش	تعداد	روش	تعداد
کیفی (پدیدارشناسی، تحلیل محتوا، گردند تئوری)	۱۰	توصیفی تحلیلی	۴
پیمایش	۴	نیمه آزمایشی	۲
		نظام مند	۱

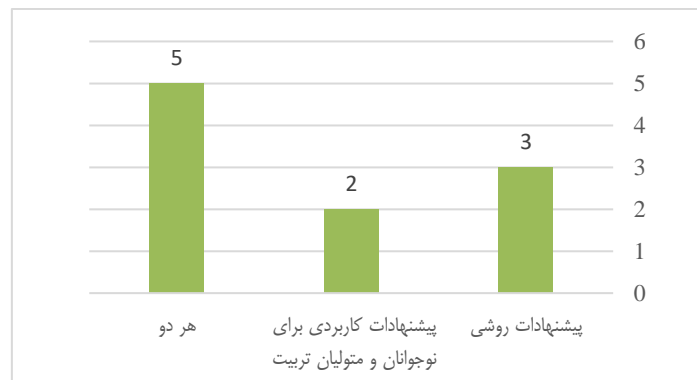


همانطور که در جدول ۴ مشاهده می کنید بیشترین ابزار مورد استفاده در مطالعات مورد بررسی مصاحبه بوده است. همچنین از پرسشنامه های مختلف و گروه متمرکز هم استفاده شده است.

۱	پرسشنامه دشواریهای بین فردی در نوجوانان (QIDA)	۱۰	مصاحبه
۱	خود کارآمدی عمومی شوارترز	۲	گروه متمرکز
۴	اسنادی	۵	پرسشنامه محقق ساخته
۲	مروری	۱	پرسشنامه هویت نقش جنسیتی در فرهنگهای مختلف

در اکثر مطالعات مورد بررسی در این نوشتار از نظریه ای استفاده نشده است (۱۷ مطالعه). نظریه های پرورش جرج گرنبر، شناخت اجتماعی بندورا، هویت اجتماعی جنکینز، نقش جنسیتی و نظریه مفهوم سازی بنیادی (GT) در مطالعات مورد استفاده قرار گرفته اند.

در خصوص ارائه پیشنهاد در پژوهش ها طبق نمودار زیر از ۲۰ پژوهش ۱۰ مورد داری پیشنهادات می باشند. از میان پیشنهادات مطرح شده ۳ مورد روشی و ۲ مورد پیشنهادات کاربردی برای نوجوانان و متولیان تربیت و ۵ عدد از هر دو مورد است.



پیشنهادان کاربردی آنها شامل موارد زیر می باشد :

- ✓ توجه جدی بر ارائه آموزش جنسی علمی و متناسب با سن در سطوح مختلف تحصیلی و تدوین کتابچه راهنما
- ✓ تدوین برنامه های لازم جهت مهارت آموزی والدین جهت چگونگی آموزش به فرزندان خود متناسب با جنسیت و سن آنها
- ✓ آگاه سازی نوجوانان پیش از تجربه هر فرایند یا کنش جنسی
- ✓ تدارک یک صندوق پیام معمولی یا الکترونیکی جهت دریافت سوالات دانش آموزان در مدرسه به صورت ناشناس و پاسخگویی علمی به صورت هفتگی از سوی مشاور بهداشت مدرسه
- ✓ اصلاح روابط خانوادگی (شامل وجود روابط عاطفی بین والدین و فرزندان، ارائه رفتارهای مناسب در خانواده از سوی والدین و خواهر و برادر بزرگتر).
- ✓ الگوی مناسب بودن برای جوانان از طرف والدین.

- ✓ اصلاح اجتماعی و ایجاد زمینه مساعد تربیتی. اصلاح قوانین اجتماعی و برخی از ارزش ها و قواعد جنسی یکی از طرق پیشگیری از انحرافات جوانان است. جوانان گاهی نمی‌خواهند تشریفات و آداب معمول را دنبال کنند و نباید آنان را به رعایت آداب دست و پا گیر مجبور ساخت
- ✓ وجود طرح تربیت جنسی دانش‌آموزان در مدارس.
- ✓ توجه کردن به عوامل شخصیت‌ساز کودکان. والدین در تربیت فرزندان باید به عوامل شخصیت‌ساز و خصوصیات جسمی - روانی آن‌ها توجه کنند. و..
- ✓ تهیه و پخش برنامه های آموزش دیداری و شنیداری متنوع با موضوع مهارت‌های ارتباطی از طریق رسانه های گروهی که مورد توجه عموم مردم است، برای اثربخشی بهتر این آموزشها و استفاده از برنامه و کتابچه آموزشی طراحی شده در این طرح، در مراکز بهداشت شهرستانها برای آموزش والدین، معلمان و نوجوانان پیشنهاد می شود.
- ✓ اجرای طرح تربیت جنسی در مهدهای کودک و مدارس توسط افراد متخصص در این حوزه به صورت جدیتری
- ✓ لزوم طرح ریزی برنامه هایی چندبعدی احساس می شود که در آنها از یک سو، به آموزش عموم مردم (از جمله والدین) و آموزش تخصصی اهل حرفه، جهت آشنایی با اختلال هویت جنسی پرداخته و از سوی دیگر، به مشارکت والدین افراد دچار اختلال هویت جنسی در فرایند تشخیص و درمان توجه شده باشد.
- ✓ علاوه بر برگزاری دوره های ویژه تربیت جنسی فرزندان برای والدین، پکیج ها و بسته های آموزشی خاص تربیت جنسی توسط این وزارت بهداشت تهیه و تدوین شده و در اختیار خانواده ها و مدارس قرار گیرد.

در نهایت نتایج حاصل از مطالعات نشان می دهد که :

- ✓ نوجوانان به علت عدم آموزش جنسی مناسب برای رفع تمایلات جنسی خود، به کنجکاوی جنسی در فضاهای مجازی جنسی و رؤیا پردازی نسبت به جنس مخالف، معاشقه و سکس می پردازند.
- ✓ نتایج پژوهش ها بیانگر تشدید روابط دوستی با جنسی مخالف و روابط جنسی پیش از ازدواج به علت عدم آگاهی از پیامدهای آن و نیز گماشتن فضای مجازی جنسی به عنوان منبع یادگیری مسائل جنسی و تقلید از آن، بوده است، یافته ها بر تاثیر رسانه ها و فضای مجازی جنسی در درجه ی اول و بعداز آن دوستان و همسالان در افزایش تعارضات جنسی و رفتارهای پرخطر جنسی تاکید دارد.
- ✓ براساس نظریه نقش جنسی، سطوح متفاوت تجربه های دشواری های بین فردی در دو جنس ناشی از مطالبات و انتظارات موقعیتی و وابسته به نقش های جنسی است. بدین ترتیب، با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش تقی لو و همکاران (۱۳۹۰) به نظر می رسد که مواجهه با انتظارات و مطالبات وابسته به نقش های جنسی - به مثابه یک عامل موقعیتی - در تبیین سطوح متمایز سهم موقعیت های برانگیزاننده دشواری های بین فردی در دو جنس، در بین نوجوانان دختر در مقایسه با نوجوانان پسر، اهمیت بیشتری دارد. بنابراین، ادراک نوجوانان دختر و پسر از انتظارات نقش جنسی

سبب می شود که بافت های تعامل بین فردی، برای دو جنس، سطوح متمایزی از دشواری های بین فردی را به همراه آورد.

✓ در مطالعه ای مصاحبه شوندهگان، تربیت جنسی را مفهومی دانسته اند که باید در بعد فردی و اجتماعی تحقق پذیرد. آگاهی فرد از حکمت آفرینش این گزینه، دانستن اثرات مثبت و منفی جسمی و روحی آن، توانایی خویشتنداری و عفاف، رعایت حلال و حرامهای شرعی در این زمینه، پرهیز از پنهان کاری هنگام مواجهه با مشکل، کسب مهارت خود مراقبتی در مقابل بیماریها و انحرافات جنسی مانند خود ارضایی و علم فرد به مراحل رشد جنسی خود را نشان دهنده تربیت جنسی در بعد فردی قلمداد کرده اند. در بعد اجتماعی نیز، آگاهی فرد از نحوه ارتباط با جنس مخالف، احترام به حریم خصوصی دیگران، دوستی با افراد پایبند به اخلاقیات و علم به تأثیر عوامل محیطی، اجتماعی، زیستی و فرهنگی بر تربیت جنسی را، نمونه هایی از مصادیق تربیت جنسی افراد در بعد اجتماعی دانسته اند.

✓ برنامه های تربیت جنسی به شیوه های مختلفی شامل برنامه های مدرسه محور، خانواده محور و روشهای مبتنی بر ارتقای سلامتی عمومی در سراسر دنیا روی کودکان و نوجوانان اجرا میشود و نتایج مطالعات فراتحلیل در این زمینه نشان میدهد این روشها هیچ تأثیر منفی روی سلامت جنسی ندارند ولی تأثیر مثبت آنها روی سلامت جنسی به اندازه درمان های دارای شواهد تجربی بالا نیست.

✓ آگاهی والدین به عنوان حلقه گمشده در مباحث تربیتی به خصوص در امور حساسی مانند امور جنسی می تواند نقش پر رنگی را ایفا نماید.

✓ کاربرد راهبردهای مناسب تربیتی تأثیر معنا داری بر تربیت جنسی نوجوانان دارد. هر چه روش های به کار برده شده در طرح این گونه مسائل از پشتوانه علمی و تجربی قویتری برخوردار باشد، میزان دسترسی به موفقیت در تربیت جنسی بیشتر خواهد بود.

✓ تماشای تلویزیون های ماهواره ای، از طریق تغییر کلیشه های جنسیتی موجود در ذهن دختران نوجوان و همچنین تغییر نگرش آنها نسبت به تفکیک جنسیتی نقش ها، اثرگذار است که هر دو عامل بر تعریف فرد از خود و از جنسیت خود مؤثر هستند. به طور کلی بین داشتن ماهواره در منزل و هویت جنسیتی دختران نوجوان رابطه معناداری وجود دارد. بدین صورت که هر چه دختران نوجوان از برنامه های تلویزیون ماهواره ای بیشتر استفاده کنند، هویت جنسیتی آنها که متناسب با انتظارات جامعه آنها شکل گرفته است یا در حال شکل گیری است، دستخوش دگرگونی می شود و برخلاف باورها و انتظارات پیشین آنها مسیری متفاوت از گذشته را در پی می گیرد و آنها را از جامعه خود دور می کند.

✓ در مطالعه ای شاخص های (آشنایی فرزندان با شیوه های کنترل و تعدیل گزینه جنسی، آشنایی فرزندان در جهت تأثیر دوست در سلامت یا سقوط اخلاق جنسی، آشنایی فرزندان در آگاهی از خطرات و امراض جنسی، آشنایی نوجوانان به مسائل دینی راجع به تعدیل جنسی برای نوجوانان قبل از ازدواج، آشنایی با شرایط همسر خوب از نظر اسلام، آشنایی مسائل شرعی در رابطه با بلوغ و تکلیف، آشنایی از آگاهی و خطرات و مفسد بی بند و باری جنسی) بیشترین میانگین به دست آمده در بین دو گروه جنسی، دختران بالاترین میانگین ها را نسبت به پسران به خود اختصاص داده اند. نتایج گویای این است که دختران در جهت تربیت جنسی بیشتر از پسران آموزش کسب کردند.

✓ توجه به فرآیند جامعه پذیری جنسی نوجوانان میتواند از بسیاری از انحرافات آنها جلوگیری کند.

- ✓ چالش های تربیت جنسی پسران نوجوان عبارتند از: سردرگمی و بلاتکلیفی والدین، تضاد در دیدگاه ها و راهکارهای تربیتی والدین، تعنی و پیچیدگی منابع دریافت اطلاعات جنسی، تابوهای فرهنگی، عدم درک ضرورت آموزش جنسی و نقش گم شده مدرسه در تربیت جنسی.
- ✓ بر اساس نتایج مطالعه مجددپور و همکاران (۱۳۹۶)، ۲۹ درصد مادران شرکت کننده در مطالعه معتقد بودند که آموزش مسائل جنسی به دختران نوجوان باید توسط مادران آغاز شود و سپس توسط مربیان و معلمان در مدرسه ادامه یابد. اکثر مادران، با آموزش گسترده مسائل جنسی به دختران نوجوان مخالف بودند و دلیل اصلی آن را ترس از کنجکاوی و وسوسه شدن نوجوانان برای تجربه روابط جنسی عنوان نمودند.

۶- منابع:

- حاجیان، بهجت، قاسمی، وحید، ربانی، علی، مرقاتی خوبی، عفت السادات. مطالعه فرایند بساخت فهم جنسی در دختران نوجوان شهر اصفهان. زن در توسعه و سیاست، ۱۴۰۰؛ ۱۹(۱): ۱۱۹-۱۴۰. doi: ۱۰.۲۲۰۵۹/jwdp.۱۰۰۷۸۷۸/۱۰۳۰۸۳۵۹۹.۲۰۲۱.
- تربتی، سروناز، تاجیک اسماعیلی، سمیه، خسروی، نیکا. مطالعه کیفی تربیت جنسی نوجوانان و عوامل زمینه‌ساز آن با تاکید بر روابط میان فردی با والدین مطالعه موردی: دختران و پسران نوجوان دوره متوسطه ساکن شهر تهران. مطالعات جامعه‌شناسی، ۶۷۱۶۷۸، ۲۰۲۰، jss.۲۰۲۰، ۱۰، ۳۰، ۴۹۵/doi: ۱۰.۳۰۴۹۵/۱۳۹۸؛ ۷۷-۱۰۴: (۴۵) ۱۲؛ ۱۳۹۸
- ربیعی، علی و عبداللهی، عظیمه السادات و شیروی خوزانی، یاسر، ۱۳۹۴، بررسی رابطه تماشای تلویزیون های ماهواره ای با هویت جنسیتی دختران نوجوان شهر اصفهان، <https://civilica.com/doc/889400>
- روح پرور زهرا، شاه علی شاداب، جوادنوری مژگان. تبیین ادراکات والدین از چالش های تربیت جنسی پسران نوجوان؛ یک مطالعه کیفی. تحقیقات کیفی در علوم سلامت. ۱۳۹۸ [cited August ۲۰۲۲]; ۱۴(۸): ۲۶۰-۲۷۰. Available from: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۴۹۰۵۰۴>
- مجدپور معصومه، پرهیزکار سعادت، موسوی زاده علی، شمس محسن. دیدگاه ها و نظرات مادران درباره آموزش مسایل جنسی به دختران نوجوان خود: یک مطالعه کیفی. طلوع بهداشت. ۱۳۹۶ [cited August ۲۰۲۲]; ۱۶(۳) (مسلسل ۶۳): ۹۳-۱۰۵. Available from: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۲۹۵۸۸۴>
- قبادیان، مسلم، دهقان، سعید، شمخانی، اژدر. تربیت جنسی کودکان ونوجوانان با رویکرد اسلامی بستری برای پیشگیری از جرائم و انحرافات. تحقیقات حقوقی بین المللی. ۲۱۰-۱۶۹: (۳۸) ۱۰؛ ۱۳۹۶،
- مجدپور معصومه، شمس محسن، پرهیزکار سعادت، موسوی زاده علی، رحیمی زهرا. آموزش جنسی غیررسمی به دختران نوجوان از طریق توانمندسازی مادران آنها: یک کارآزمایی میدانی. مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی. ۱۳۹۶؛ ۱۵ (۳) ۲۶۷-۲۷۹:
- فرجیان، حدیث و هنرپروران، نازنین، ۱۳۹۸، واکاوی پدیدارشناسانه تعارضات جنسی نوجوانان <https://civilica.com/doc/993146>.
- بیانی، فرهاد، حیدری بیگونند، دکتر داریوش، بهروان، دکتر حسین. عوامل اجتماعی موثر بر شدت اختلال هویت جنسی. علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد)؛ ۱۳۹۰؛ ۱۲ سال هشتم، شماره ۱۵۷۵۳۲، ۱۰، ۲۲۰۶۷/jss.v۰i۰، ۱۰۷۵۳۲، doi: -. (۱):
- یزدانی سمیه، سهرابی شگفتی نادره. تأثیر آموزش تربیت جنسی بر هویت جنسی کودکان ۷ تا ۱۱ سال شهر شیراز. مشاوره کاربردی. ۱۳۹۷ [cited August ۲۰۲۲]; ۱۴(۸): ۹۸-۱۰۸. Available from: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۵۱۰۳۳۹>
- محسنی آهویی شهره، افتخار مهرداد، نگارنده رضا. تجربه والدین از کودکی فرزند دچار اختلال هویت جنسی. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران. ۱۳۹۴؛ ۲۱ (۱) ۵۰-۵۹
- تقی لو صادق، شکری امید، طولابی سعید، تقوایی نیا علی. دشواری های بین فردی در نوجوانان: تفاوت های جنسی و سنی. روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی). ۱۳۹۰ [cited August ۲۰۲۲]; ۱۴(۷): ۳۳۱-۳۳۸. Available from: <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۱۴۸۸۵۶>

- فقیهی مقدس، نفیسه، مومنی راد، فهیمه، شریفی، سعید. ارائه مدل رفتار منحرفانه جنسی نوجوانان دختر: تاملی بر رویکرد زمینه‌ای. زن در توسعه و سیاست، ۱۳۹۸؛ ۱۷(۱): ۷۱-۹۵. doi: ۱۰.۲۲۰۵۹/jwdp.۱۰.۲۲۰۵۹.۲۰۱۹.۲۷۶۳۷۹.۱۰۰۷۵۹۴
- بامری اسحق، سالارزایی امیرحمزه. تحلیل رابطه بین سبک زندگی و تربیت جنسی نوجوانان شهر زاهدان با نگاهی به پیش‌گیری از جرم. مطالعات روانشناسی تربیتی. ۱۳۹۷. Available from: ۹۶-۷۳): ۲۹(۱۵); ۱۴August ۲۰۲۲ [cited ۴۷۴۸۶۴ [https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=](https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۴۷۴۸۶۴)
- خانی‌پور حمید، یغماییان هومن، چیدری هانیه، حسینی سمانه. برنامه‌های تربیت جنسی کودکان و نوجوانان: مرور نظامند. نشریه پژوهش‌های تربیتی. ۱۴۰۰؛ ۸ (۴۲): ۱-۳۲
- یاری دهنوی مراد، ابراهیمی شاه‌آبادی فاطمه. پدیدارشناسی تربیت جنسی از دیدگاه کارشناسان تربیتی در مدارس متوسطه شهر کرمان. علوم تربیتی از دیدگاه اسلام. ۱۳۹۵. Available from: ۱۱۴-۹۵): ۷(۴); ۱۴August ۲۰۲۲ [cited ۲۷۷۳۳۳ [https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=](https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۲۷۷۳۳۳)
- قلاوند زهره، صمدی پروین، احمدی پروین، کشتی آرای نرگس. شناسایی جایگاه برنامه درسی تربیت جنسی در نظام آموزشی. پژوهش در برنامه ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم تربیتی-برنامه ریزی درسی). ۱۳۹۹. Available from: ۱۲۹-۱۱۱): ۶۷(۶۷) <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۵۴۷۶۵۵>
- حسین زاده باردئی، خدیجه، موسوی باردئی، سید احمد. مروری بر مقالات نگاشته شده در تربیت جنسی فرزندان از دیدگاه اسلام (در بازه‌ی زمانی ۱۳۷۵-۱۳۸۹ در ایران). *مطالعات اسلامی زنان و خانواده* ۱ (۱۳۹۳)، پاییز و زمستان: ۱۲۱-۱۳۴.
- قدیریان پور، سمانه، عباسی، عفت، کیان، مرجان. واکاوی جایگاه و نقش تربیت جنسی در دوره ابتدایی و ارائه چارچوب آموزشی. *نوآوری‌های آموزشی* ۱۶۱۱، ۲۴۶۳۸۱، ۲۰۲۱. doi: ۱۰.۲۲۰۳۴/jei.۲۰۲۱.۲۴۶۳۸۱.۱۶۱۱. Available from: ۱۴۰۰؛ ۲۰(۳): ۲۱۷-۲۳۸.
- حسینی خیرآبادی سیدحسن، مومنی مهمویی سیدحسین، زیرک مهدی، اکبری احمد. بررسی عوامل مؤثر بر تربیت جنسی دانش‌آموزان نوجوان شهرستان تربت حیدریه در سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹. *مجله دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه*. ۱۳۹۹. Available from: ۹۳-۸۶): ۳(۸); ۱۴August ۲۰۲۲. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=۵۵۸۹۲۶>

خلاصه گزارش:

تربیت جنسی کودکان و نوجوانان یکی از مهمترین و حساس ترین مسائل در حوزه های تربیت است زیرا نقشی مهم در آینده و سعادت و شقاوت کودک یا نوجوان ما دارد. در این نوشتار مروری بر ۲۰ مقاله با موضوعات: توصیف و تبیین زیست جنسی، آسیب شناسی، عوامل زمینه ساز آن و چگونگی آموزش تربیت جنسی پرداخته اند. توصیف زیست جنسی، از منظر خود نوجوان و کارشناسان تربیتی بیان شده است. آسیب هایی از جمله اختلال در هویت جنسی و انحراف در رفتارهای جنسی نوجوان مورد مطالعه قرار گرفته اند. همچنین روابط میان فردی با والدین، رابطه سبک زندگی و تربیت جنسی، ویژگی های شخصیتی فرد، تلویزیون های ماهواره ای، عوامل اجتماعی موثر و شیوه های تربیت جنسی از منظر اسلام جزو مهمترین عوامل زمینه ساز تربیت جنسی در نوجوانان محسوب می شود. از طرفی در برخی از مطالعات به بررسی راه های مختلف آموزش مسائل جنسی و تربیت جنسی نوجوانان دختر و پسر پرداخته بود.

در مجموع نتایج این مطالعات نشان دهنده اینست که؛ نوجوانان به علت عدم آموزش جنسی مناسب برای رفع تمایلات جنسی خود، به کنجکاوای جنسی در فضاهای مجازی جنسی و رؤیا پردازی نسبت به جنس مخالف، معاشقه و سکس می پردازند. ادراک نوجوانان دختر و پسر از انتظارات نقش جنسی سبب می شود که بافت های تعامل بین فردی، برای دو جنس، سطوح متمایزی از دشواری های بین فردی را به همراه آورد. تربیت جنسی را مفهومی دانسته اند که باید در بعد فردی و اجتماعی تحقق پذیرد. برنامه های تربیت جنسی به شیوه های مختلفی شامل برنامه های مدرسه محور، خانواده محور و روشهای مبتنی بر ارتقای سلامتی عمومی در سراسر دنیا روی کودکان و نوجوانان اجرا میشود و نتایج مطالعات فراتحلیل در این زمینه نشان میدهد این روشها هیچ تاثیر منفی روی سلامت جنسی ندارند ولی تاثیر مثبت آنها روی سلامت جنسی به اندازه درمان های دارای شواهد تجربی بالا نیست. هر چه دختران نوجوان از برنامه های تلویزیون ماهواره ای بیشتر استفاده کنند، هویت جنسیتی آنها که متناسب با انتظارات جامعه آنها شکل گرفته است یا در حال شکل گیری است، دستخوش دگرگونی می شود و برخلاف باورها و انتظارات پیشین آنها مسیری متفاوت از گذشته را در پی می گیرد و آنها را از جامعه خود دور می کند. دختران در جهت تربیت جنسی بیشتر از پسران آموزش کسب کردند. توجه به فرآیند جامعه پذیری جنسی نوجوانان میتواند از بسیاری از انحرافات آنها جلوگیری کند. چالش های تربیت جنسی پسران نوجوان عبارتند از؛ سردرگمی و بلاتکلیفی والدین، تضاد در دیدگاه ها و راهکارهای تربیتی والدین، تعنی و پیچیدگی منابع دریافت اطلاعات جنسی، تابوهای فرهنگی، عدم درک ضرورت آموزش جنسی و نقش گم شده مدرسه در تربیت جنسی. آموزش مسائل جنسی به دختران نوجوان باید توسط مادران آغاز شود و سپس توسط مربیان و معلمان در مدرسه ادامه یابد. اکثر مادران، با آموزش گسترده مسائل جنسی به دختران نوجوان مخالف هستند.